



موضوع:

خلاصه کتاب روش های تدریس دکتر بهمن زندی

واحد درسی:

آموزش زبان فارسی ۱

نام استاد:

استاد رسول اکبری

تهیه کنندگان:

دانشجویان گروه ۲۴ واحد درسی آموزش زبان فارسی ۱

نام دانشگاه:

تربیت معلم امام خمینی (ره) - شهرستان سلماس

بهار ۱۳۹۹

جمع بندی شده توسط استاد رسول اکبری مدرس دانشگاه تربیت معلم

بخش اول : فصل اول : ویژگی های عمومی زبان های انسانی

زبان مانند هر پدیده دیگر از جنبه های مختلفی قابل بررسی است . همه انسان ها صرف نظر از هر نوع تفاوتی از یک توانایی ویژه به نام (قوه نطق) یا (قوه بیان) برخوردارند . همانطور که در آغاز سخن آمده است ، خداوند بزرگ در آیات آغازین سوره الرحمن به اعطای این قوه به نوع بشر اشاره فرموده اند.

*انسان ها با دارا بودن این ویژگی می توانند پس از تولد و وارد شدن به جوامع مختلف ، در همان سال های اولیه کودکی اصلی ترین نظام ارتباطی همان جامعه را بیاموزد این اصل نظام ارتباطی جوامع انسانی (زبان) نام دارد .

هر کودکی در هر کجا متولد شود زبان آن مکان را می آموزد ، زبان یک پدیده انتزاعی و در نتیجه ذهنی است .

در جهان های مختلف حدود چهار تا پنج هزار زبان وجود دارد که صد ها زبان به صورت گفتاری و نوشتاری به شکل عملی در جوامع انسانی تجلی می یابند .

استفاده از نشانه : در تعریف نشانه می توان گفت عبارت است از چیزی که به چیز دیگری غیر از خودش دلالت کند . برای مثال ((!)) به وجود خطر در جاده دلالت می کند .

پس می توان گفت : ((ارتباط زبانی یعنی نشانه سازی و استفاده از نشانه ها)) به این امر نشانگی می گویند . ذات نشانگی عبارت است از همان چیزی که دلالت نامیده می شود . ولی نشانگی در کل و همیشه مختص زبان نیست

دیوید اسلس : ((نشانه سازی و استفاده از نشانه)) یک واقعیت یگانه تجزیه ناپذیر است که دارای سه بعد است ۱. واضع ۲. مصداق

نشانه هایی که در زندگی اجتماعی بشر به کار می روند به سه دسته قابل تقسیم است .

الف) نشانه تصویری: نشانه ای که میان صورت و مفهوم آن شباهتی عینی و تقلیدی است .

ب) نشانه طبیعی : این نشانه که آن را ((عقلی)) هم می نامند نشانه ای است که میان صورت و مفهوم آن رابطه همجواری یا تماسی است .

ج) نشانه وضعی: نشانه ای که میان صورت و مفهوم آن همانند نشانه طبیعی رابطه همجوار و پیوستگی هست ، ولی این رابطه نه طبیعی و ذاتی ، بلکه قراردادی است . مثل دلالت لفظ اسب بر معنای اسب .

می توان گفت : هر زبان ، نظامی از نشانه های قراردادی است که اعضای هر جامعه زبانی با استفاده از آن نظام با یکدیگر ارتباط شفاهی یا نوشتاری برقرار می کنند .

یکی از ویژگی های اصلی و مهم زبان های بشری (قراردادی بودن) آنهاست. بدین معنی که بین صورت و معنای عناصر زبانی رابطه ذاتی وجود ندارد، بلکه رابطه بین عناصر زبانی و معنای آنها رابطه ای قراردادی است.

رابطه همنشینی که به ساختار آوایی، صرفی، نحوی دلالت دارد و غیر از آن رابطه جانشینی هم داریم. در همه زبان ها از جمله در زبان فارسی عناصر مختلفی در سطوح گوناگون آوایی، صرفی و نحوی وجود دارد که می توان جانشین یکدیگر شوند.

در سطح آوایی با تعویض و جانشین سازی صامت های آغازین کلماتی مختلف از قبیل تار، خار، بار، گار و... ساخته می شود. در سطح صرفی و جانشین سازی شناسه های مختلف یک عنصر زبانی از لحاظ شخصی و شمار تغییر می کند. آمدم، آمدی، آمد

و در سطح نحوی در جمله های زیر با جانشین سازی عناصر مختلف که همگی نقش گروه اسمی را ایفا می کنند پیام زبانی ارائه می شوند.

1. حافظ همه عمر خود را در شیراز گذراند

2. لسان الغیب همه عمر خود را در شیراز گذراند

اگر رابطه همنشینی و جانشینی وجود نداشت ارتباط زبانی به تکرار تعدادی از جمله های ((پیش ساخته)) محدود می شود. و چون ذهن انسان از لحاظ زیست شناختی نمی تواند هزاران هزار را به حسب موقعیت های مختلف، عینا در حافظه بگنجاند، رفع نیاز های ارتباطی متنوع موجود در جوامع انسانی در موقعیت های تازه و ناآشنا با مشکل روبه رو می شد. از ویژگی های دیگر زبان های انسانی، آزاد بودن از قید زمان و مکان است. نظام های ارتباطی ویژه جانوران فقط در زمان خاص کارایی دارد.

*در واقع زبان حافظ تاریخ است. ملتها تاریخ، قوانین، آداب و رسوم فرهنگ و آثار ادبی و علمی خود را به طور شفاهی و مکتوب از نسلی به نسلی دیگر منتقل می کنند. در این راه، زبان به عنوان مهمترین ابزار این انتقال نقش بسزایی ایفا می کند.

زبان های انسانی بر خلاف دیگر نظام های ارتباطی دارای این ویژگی منحصر به فرد هستند که انسان را قادر می سازند برای تولد و درک پیام های نامحدود در موقعیت های مختلف زمانی، مکانی و روابط و شرایط اجتماعی متفاوت از قوای نامحدود برخوردار باشد. این توان نامحدود را به اصطلاح ((خلاقیت)) می نامیم.

زبان نیز مانند تمام پدیده های دیگر اجتماعی دارای دو بعد (ماهیتی) و (نقشی) است.

زبان دارای نقش های متفاوت از جمله نقش ۱.ارتباطی ۲.تکیه گاه اندیشه ۳.عاطفی ۴. هنری

نخستین و اساسی ترین نقش زبان ایجاد ارتباط بین انسان هاست . زندگی و حیات انسان دارای صبغه اجتماعی است. تفاوت فردی دانش آموزان نیز یکی از دلایل ارتباط زبان و اندیشه است .

عاطفی : ما از زبان علاوه به ایجاد ارتباط و تسهیل فرایند تفکر ، برای بیان حالت های عاطفی و شخصی و تحلیل احساسات درونی خود نیز سود می بریم .

نقش هنری : زبانی که برای ایجاد ارتباط به کار می رود از لحاظ زیبایی شناختی بسیار ساده و به دور از هرگونه پیرایه است .ولی با تغییر در ساخت های آوایی صرفی نحوی و معنای زبان ،آن را به طوری سامان می دهد که حس زیبایی شناختی انسان و طبع هنری او را تحت تاثیر خود قرار می دهد . مثل شعر

گونه های زبانی به دو دسته اصلی تقسیم می شوند .

الف)گونه هایی که برای گوینده ثابت و غیر قابل تغییرند و با عرض شدن شرایط کاربردی تغییر نمی کنند . این دسته شامل (گونه شخصی)و(گوشی)(گوش زبانی ،جغرافیایی و اجتماعی)است .

ب)گونه هایی که برای متکلم ثابت نیستند و با تغییر شرایط کاربردی گوینده به انتصاب جدیدی از گونه های درست وی زنند . این دسته شامل (سیاق)(سبک)و(رسانه)است.

گونه شخص یا همان تکیه کلام نام دارد .

گوش جغرافیایی یا همان لهجه نام دارد .

گونه های کاربردی (سبک ، سیاق و رسانه)

۱. سیاق:عبارت است از گونه زبانه ای که با توجه به ویژگی های گفتمانی کلام یا متنی تقسیم بندی می شود ؛مثل

سیاق اداری ،سیاق روزنامه ای ،سیاق علمی

۲. سبک:گونه ای از یک زبان است که با توجه به نوع رابطه گوینده (نویسنده) با شنونده (خواننده) تعیین می شود .

۳. رسانه: که به لحاظ آن می توانیم دو نوع زبان شفاهی (گفتاری) و مکتوب (نوشتاری) قائل شویم . زبان گفتاری و نوشتاری هر کدام دارای ویژگی های خاص خود هستند .

بخش اول: فصل دوم: عناصر و قواعد سازنده زبان فارسی معیار

* ماده اصلی تمام زبان های انسانی از جمله زبان فارسی امواج صوتی است .

مهمترین مکانیسمی که زبان های انسانی از آن سود می برند مکانیسم تنفسی است . مکانیسم تنفسی به بروز دونوع

جریان هوا می انجامد . الف) جریان هوای دمی (درون سو) ب) بازدمی (برون سو)

در بیشتر زبان های دنیا از جمله زبان فارسی برای تولید صدا ها و ساخت کلمات از مکانیسم بازدمی (برون سو) استفاده

می شود . در هر زبان دو نوع آوا وجود دارد . صامت ها و مصوت ها

اندام های صوتی

اندام های تنفسی: شش ها ، حجاب حاجز ، نای ، نایچه ها، نایژک ها

اندام های واک ساز : تار های صوتی که درون حنجره قرار دارند .

اندام های آوا ساز : چاکنای (فاصله بین تار های صوتی) ، حفره حلق ، دهان .

چاکنای: فاصله بین تار های صوتی را چاکنای می گویند .

دهان : حفره دهان انعطاف پذیر ترین بخش اندام های آوا ساز و در نتیجه پر کار ترین و مهم ترین آنها است .

کام: کام یا سقف دهان از پشت دندان های بالا تا ملاز (زبان کوچک) امتداد دارد .

زبان: اندامی نرم و گوشتی است که دارای قابلیت انعطاف و تحرک فراوانی است ، ساختمان ماهیچه ای ، آن را قادر

می سازد که در تمام جهات به حرکت در آید . این اندام که مهمترین عضو گویایی بشمار میرود عامل اساسی تولید بیشتر

آوا های زبانی است .

شیوه های تولید صامت های فارسی : معیار شیوه تولید به این امر اشاره دارد که اندام های صوتی هنگام تولید یک

صامت چه حالتی به خود می گیرند .

بیشتر و سه صامت زبان فارسی با استفاده از شیوه های انفجاری ، لرزش ، روان ، خیشوی و انفجاری _ سایشی تولید می

شوند .

واک داری و بی واکي: در زبان فارسی، تولید برخی از آوا های فارسی همراه با ارتعاش تار های صوتی و در نتیجه ایجاد

پدیده ای آوایی به نام واک می باشد ؛ ولی تولید برخی آوا های دیگر بدون ارتعاش تارهای صوتی صورت می گیرد .

دسته اول را آوا های واک دار می نامیم ،مانند /d/z/و... **دسته ی دوم** آوا های بی واک نامیده می شوند ، مانند ، /t/ و /s/...همه ی مصوت ها واک دار هستند اما در مورد صامت ها ،در زبان فارسی تعداد سیزده صامت واک دار و ده صامت بی واک هستند .

سه ملاک برای توصیف و طبقه بندی مصوت ها

۱.فاصه زبان از سقف دهان (ارتفاع زبان) : بسته یا میانی یا باز

۲.بخشی از زبان که در تولید مصوت مورد نظر نقش دارد . پیشین یا پسین .

۳.شکل لب ها : گرد یا گسترده

به صورت کلی آوا های زبان فارسی را به صامت و مصوت تقسیم می کنیم.

الف) صامت ها:آوا هایی هستند که میتوانند در آغاز واژه و بعد از سکوت واقع شوند . هنگام تولید صامت ها جریان هوا در نقطه ای از اندام های آوا ساز با مانع کامل یا ناقص برخورد می کنند .در زبان فارسی ۲۳صامت وجود دارد .

ب) مصوت ها:آوا هایی هستند که در ابتدای واژه واقع نمی شوند و هنگام تولیدشان امواج صوتی بدون اینکه در مجرای گفتار به مانعی برخورد کنند به آسانی به خارج از دهان منتقل می شوند . در زبان فارسی ۶مصوت وجود دارد.

هجا:از ترکیب صامت ها و مصوت ها ساخته می شود و بزرگترین واحد ساخت آوایی زبان است . در مباحث آموزشی دبستانی از آن با اصطلاح (بخش) یاد می کنند ؛

در نظام های آوایی زبان فارسی سه نوع هجا وجود دارد :

الف) عنصر آغازین هجا های زبان فارسی همواره یک (صامت) است .

ب) عنصر دوم هجا های فارسی همواره یک (مصوت) است.

ج) در پایان هجا های فارسی هیچ گاه بیش از دو صامت نمی آید.

***فرایند های آوایی و آموزشی زبان فارسی(حذف،قلب،افزایش،تبدیل)**

۱) فرایند حذف:در زبان گفتاری هنگام همنشینی عنصر اولیه برای ساختن واحد های بزرگ ممکن است یک یا چند عنصر از عناصر اولیه حذف شوند .به همین دلیل این فرایند ،(فرایند حذف) نامیده می شود . مانند :صبر کن _ صب کن

می توان با کم کردن سرعت حرف زدن از این فرایند جلو گیری کرد .

۲) **فرایند قلب**(جابه جایی): در زبان گفتاری چنانچه هنگام همنشینی عناصر اولیه برای ساختن واحد های بزرگ تر

، جای دو عنصر با یکدیگر عوض شود ، فرایندی به نام فرایند قلب (جا به جای) رخ می دهد .مانند : کبریت _ کربت

۳) **فرایند افزایش**: هنگام همنشینی عناصر اولیه برای ساختن واحد های بزرگ تر ، یک یا چند عنصر با عناصر

اولیه افزوده می شود .مانند : سن و سال _ سند و سال

همگونی _ بد + تر = بتر

۴) **فرایند تبدیل**: \ بدم _ بلتم

/ ابدال \

/دیوار _ دیفار

فرایند ابدال، هم در خواندن متن و هم در نوشتن املا می تواند شخص را دچار اشتباه کند . که هر دو مورد غلط

محسوب می گردند.

*ممکن است در کلمه ای دو یا چند فرایند با هم صورت گیرد .

مانند : مشتق _ مقش _ مخش

قلب + ابدال

در زبان فارسی دو نوع واژک مشاهده می شود : **واژک های معنا دار**(قاموس) ؛ مانند : دیوار ، میز و گل و **واژک های**

دستوری؛مانند: ها ، آن و بان .

هنگام ترکیب عناصر صرفی با هم برای ساخت واژه مشتق،عناصر اصلی را((پایه)) ،و عنصری که به پایه افزوده می شود

تا واژه مشتق را بسازد ((وند)) می نامیم .

مانند: بی+ ادب=بی ادب. نا+دان=نادان. شهر + ک = شهرک

وندهای زبان فارسی از لحاظ نقشی که در ساخت واژه ایفا میکنند به دو دسته تقسیم می شوند . **وند های تصریفی و**

وند های اشتاقی

تعداد وند های اشتاقی از تصریفی بیشتر بوده است .

انواع کلمه های زبان فارسی از لحاظ نقش صرفی

۱. **اسم:** کلمه ای است که هسته ی گروه اسمی واقع می شود و در ساخت جمله نقش های فاعلی، مفعولی، متممی و... را می پذیرد.

۲. **صفت:** یک مقوله واژگانی است که هسته ی گروه صفتی واقع میشود.

۳. **ضمیر:** عنصری است که برای اجتناب از تکرار اسم یا کل گرچه اسمی به جای آن به کار برده می شود.

۴. **فعل:** عنصری زبانی است که هسته ی گروه فعلی واقع می شود.

۵. **قید:** عنصری است که به صورت منفرد یا گروهی از کلمات در ساختار جمله به فعل یا تمام جمله وابسته است و در بازه فعل یا کل جمله توضیحی می دهد.

۶. **حروف (اضافه یا ربط):** کلماتی هستند که قبل از اسم یا ضمیر یا گروه اسمی قرار می گیرند و نقش آنها را مشخص می سازند.

حروف اضافه، یا ساده هستند یا مرکب، حروف ربط برای برقراری پیوند دستوری یا معنای بین کلمات و حملات به کار می روند.

۷. **صوت و شبه جمله:** صوت کلمه ای است که برای بیان حالات روحی و عاطفی به کار می رود و در نوشتن انشا های عاطفی و به خصوص توصیف طبیعت نقش مهمی دارد.

شبه جمله: خلاف صوت از کلمات زبان و دارای معنی است و در ساخت جملات به کار می رود. مانند: سلام، آفرین

• ماهیت جمله

جمله: یک واحد زبانی قاعده مند است که از یک یا چند کلمه ساخته می شود؛ مثل برو، ایران را مدرسه کنیم و احسان امروز از سردشت باز می گردد.

گروه اسمی: که یک اسم به منزله هسته ی گروه اسمی. است و می توان یک ضمیر را جانشین کل گروه اسمی کرد

گروه فعلی: که یک فعل به منزله هسته گروه فعلی است و می توان گروه فعلی را با یک فعل تعویض کرد.

اگر روابط مفهومی در سطح واژه ها (کلمات) مطرح باشد، به آن روابط مفهومی واژگانی می گویند.

همنام و چند معنا: اگر کلمه ای که معنا های زیادی دارد بین آن معنا ها رابطه باشد به آن چند معنا می گوئیم ولی

وقتی بین معنا ها رابطه ای نباشد به آن همنام می گوئیم. برای مثال شیر: شیر جنگل، شیر خوراکی، شیر آب بنابراین

نمی توان شیر را چند معنا دانست، بلکه باید آن را جزو واژه های همنام یا متشابه طبقه بندی کرد.

نظر استاد:

ضمن عرض سلام و خسته نباشید و تقدیر و تشکر از زحمات دانشجویان عزیز، فعالیتتان مورد قبول بود.

نمره فعالیت : ۱۰ از ۱۰

تهیه کنندگان: احسان محمدی - سامران ابراهیم پور



فصل پنجم: مهارت خواندن و رویکرد ها و روش های آموزش آن در دوره دبستان

این فصل به بررسی و تشریح اصول و مبانی نظری و عملی آموزش خواندن در دوره دبستان می‌پردازد.

۵-۱ خواندن و یادگیری آن

یادگیری مهارت خواندن مستلزم کسب مهارت های زیر است.

در سال نخست آموزش دبستانی معمولاً بیشتر به آموزش مهارت نخست یعنی بازشناسی دیداری عناصر زبانی می‌پردازند.

مراحل یادگیری خواندن

کودکان به تدریج با یادگیری مهارت های پیوسته و تکمیل یک مرحله از رشد و حرکت به سوی مرحله دیگر خواندن را فرا می‌گیرند که بدین ترتیب هر مرحله بر روی مراحل پیشین بنا می‌شود.

• جرال والاس به نقل از کاریلو رشد خواندن را در پنج مرحله زیر خلاصه کرده است:

۱- آمادگی این مرحله که برای رشد بعدی خواندن نقش اساسی دارد، دوره آن معمولاً از هنگام تولد تا ۶ سالگی است.

۲- آغاز یادگیری خواندن: این مرحله معمولاً با آموزش رابطه آواها و نشانه های نوشتاری و کد برگردانی واژه ها و جمله ها و به طور خلاصه شناسایی دیداری عناصر زبانی همراه است.

۳- رشد سریع مهارت های خواندن: پی ریزی کامل عادات و مهارت های پایه در خواندن در این مرحله انجام می‌شود.

۴- مرحله گسترده خواندن: این مرحله در سال های آخر دوره دبستان ظاهر می‌شود. تاکید اصلی در این مرحله بر خواندن مستقل است که با افزایش ذخیره واژگانی، کسب سرعت زیاد در صامت خوانی و... تحقق می‌یابد.

۵- پالایش خواندن: این مرحله که اکثر اوقات در مدارس راهنمایی و دبیرستان دیده می‌شود با درک پیشرفته همراه است.

۵-۲ مدل های خواندن

الف) مدل های از پایین به بالا

ب) مدل های از بالا به پایین

ج) مدل های تعاملی خواندن

الف) مدل های از پایین به بالا

برخی مدل های فرایند خواندن، چنین فرض می‌کنند که این فرایند با بازشناسی و رمزگشایی حروف و خوشه های حروف و کلمات آغاز می‌شود و خواننده حوزه فرایند خواندن خود را به سوی واحدهای بزرگ تر گسترش می‌دهد.

این مدلها موسوم به مدل های برون به درون هستند.

از نظر این مدلها فرایند خواندن یک فرآیند گام به گام از دیدن و بازشناسی متوالی عناصر زبانی است.

از اشکالات این مدل عدم توانایی توضیح این نکته است. خواننده متبحر چطور می تواند نوشته ای مثل نوشته زیر را که در آن برخی حروف و نشانه ها هست شده اند به خوبی بخواند:

«ا ران در سال های -س از انقلاب پیشرف- زیادی کر-ه است.»

ب) مدلهای از بالا به پایین:

طبق این مدلها فرایند خواندن در ذهن خواننده با ساختن فرضیات وی درباره معنای نوشته ها آغاز می شود و آنگاه خواننده به ارزیابی صحت یا عدم صحت این فرضیات اقدام می کند.

• این مدل ها موسوم به مدل های درون به بیرون هستند

مدلهای از بالا به پایین بر استنتاج معنا پیش از رمز شکنی تاکید دارند و بر بند و جمله پیش از کلمه یا حروف توجه می کنند.

ایراد اساسی این مدلها این است که به نقش اساسی عناصر کوچک سازنده زبان «حروف و کلمات» نوشتاری توجه ندارند.

ج) مدلهای تعاملی خواندن:

این مدل ادغام دو مدل دیگر است. این مدل های نوین را می توان مدل های تعاملی نام نهاد.

یک مدل از این نوع متعلق به روملهارت است.

در این مدل خواندن بر محور مرکز پیام شکل می گیرد که خواننده هنگام خواندن یک متن از مفاهیم زبانی و فرازبانی به شناخت درونی می رسد .

هر منبع دانش مبنایی برای مرکز پیام جهت ساخت فرضیات مربوط به همان منبع است.

شخص هنگام خواندن خصوصیات املایی متن نوشتاری را به علائم بصری قابل انتقال به مغز تبدیل می کند و در آنجا ضمن تجزیه و تحلیل مختصات نوشته با استفاده از زمینه های مختلف اطلاعات آنها را تفسیر کرده معنا و مفهوم خاصی را از آنها برداشت می نماید در این زمینه به شش نوع اطلاعات اشاره شده است:

۱-اطلاعات رسم الخطی ۲-اطلاعات واژگانی ۳-اطلاعات معنایی

۴ اطلاعات نحوی ۵-اطلاعات منظور شناختی ۶-اطلاعات کلامی

• مدل های فرایند خواندن ❖ آن جهت برای معلمان مفیدند که آنان را راهنمایی می کنند تا بهترین استراتژی تدریس خواندن را در پیش گیرند.

۳-۵ آموزش خواندن: رویکردها، روشها، شیوه ها

از لحاظ لغوی اصطلاح روش در آثار مربوط به آموزش مهارت‌های زبانی اصطلاحی چند پهلوی است زیرا از یک طرف به معنی طرح کلی برای ارائه عناصر زبانی به کار رفته است و از طرف دیگر به شیوه ها و فنون اطلاق می شود که معلم زبان آموزی در حین تدریس به صورت عملی به اجرا در می آورد.

از این رو با مسائل مورد بحث را به سه دسته رویکرد ها روش ها و شیوه های مربوط به آموزش خواندن و نوشتن تقسیم کرده ایم.

واژه **رویکرد** به معنای اصول نظریه حاکم بر نظرگاه روانشناختی یادگیری است.

- واژه **روش** به منظور یک طرح کلی است که برای ارائه عناصر زبانی بر حسب مبانی زبان شناختی استفاده می شود.

- واژه **شیوه** به منظور فنون و شیوه های عملی است که در کلاس به صورت عملی به اجرا در می آید.

رویکردها	روشها	شیوه ها
از رویکردها به مبانی روش رویکرد تحلیلی آدا	روش حرف محور روش آوا محور روش هجا محور	صدا کشی بخش کردن
رویکرد کلی	روش واژه محور روش جمله محور	بشنو و جواب بده
رویکرد ترکیبی	روش ترکیبی ایران روش لوباخ روش فریر	نگاه کن و بگو
رویکرد تجربه زبانی	روش تجربه زبانی	بشنو و تکرار کن
رویکرد چند حسی	روش فرنالد روش گلینگهام - استیلمن روش اورتون	ردگیری
رویکرد روانشناختی	روش بلومفیلد - فریر	پرسش و پاسخ
رویکرد القای اصلاح شده	روش القای آموزش پایه روش نشانه های ممیز روش نشانه های رنگین	شیوه های دیگر

۳-۱ رویکرد تحلیلی

الف) مبانی روانشناختی:

در این اساس بسیاری معتقدند که در آموزش مهارت خواندن و نوشتن پایه نیز باید نخست صورت‌های جزئی را آموزش داد و سپس اندک اندک با ترکیب این صورت ها به آموزش صورتهای کل پرداخت. رویکرد پیشنهادی این افراد رویکرد تحلیلی نام دارد که آن را از جز به کل می نامند.

ب) مبانی زبان شناختی: با پذیرفتن این فرضیه باید امر آموزش و خواندن را از آموختن کوچکترین عناصر زبانی که متعلق به ساخت آوایی زبان هستند شروع کرد.

رویکرد آموزش تحلیلی خود به سه روش آموزش تقسیم می‌شود:

۱- روش حرف محور یا حرف آموزی: روش اولی که طرفداران آن معتقدند کوچکترین عنصر زبان که آموزش خواندن باید با آن شروع شود حرف می باشد.

ایراد اساسی این روش این است که اسامی نشانه های حرفی یک نظام نوشتاری با آوای زبان آن حروف نماینده آنها هستند و ارتباط ضعیفی دارند مثلاً آوای «س» با نام خود یعنی سین ارتباط دقیقی ندارند.

۲- روش آوا محور یا صوت آموزی: طرفداران این روش معتقدند که کوچکترین عنصر زبان آوا های زبان یا صامت ها و مصوت ها هستند.

اشکال این روش آن است که ما قادر نیستیم صامت های ج،چ،ت،ب،ت،گ،ک، و حمزه را به راحتی به صورت جداگانه تلفظ کنیم. و این همان موردی است که امکان دارد فراگیران را در امر یادگیری دچار مشکل کند.

۳- روش هجا محور یا بخش آموزی: طرفداران این روش معتقدند که باید آموزش خواندن را از هجا ها یا بخشهای زبان شروع کرد.

این روش را به دو بخش می‌توان تقسیم کرد:

۱- روش هجا محور صامت بنیاد. صامت را می نویسیم و با مصوت ها ترکیب می کنیم. «ب: بو، بی، با، ب...»

۲- روش هجا محور مصوت بنیاد: مصوت را مینویسیم و با صامت ها ترکیب میکنیم. «او: بو، تو، نو، مو...»

۵-۳-۲ رویکرد کلی

اصول کلی

الف) مبانی روانشناختی: برخلاف نظریه پردازان رویکرد تحلیلی گروهی از صاحب نظران علم روانشناسی و در راس همه آنان پیروان مکتب گشتالت معتقدند انسان هنگام برخورد با پدیده ها نخست به کل پدیده توجه می کند و سپس به اجزای سازنده آن پی می برد.

ب) مبانی زبان شناختی: برخی از کارشناسان امر آموزش خواندن و نوشتن پایه با تاثیرپذیری از نظریات فوق بر این اعتقادند که در هنگام آموزش خواندن و نوشتن نیز باید برنامه آموزشی را از یاددهی صورت های کلی زبان شروع کنید و سپس زیر آنها به واحدهای کوچکتر امر آموزش را ادامه دهیم.

این رویکرد به روش های فرعی زیر تقسیم می شود:

۱- روش واژه محور یا کلمه آموزی: طرفداران این روش معتقدند بزرگ ترین عنصر زبان کلمه است.

در این روش فراگیران بدون آنکه با نام نشانه های حرفی یا صدا های آنها آشنایی داشته باشند به سوی آموختن خواندن و نوشتن شکل کلی کلمه هدایت می شوند.

خصوصیت دیگر این روش این است که در روش واژه محور سعی می‌شود هر کلمه حدود پنج بار در درس‌های مختلف و با فواصل برنامه‌ریزی شده تکرار شود تا شکلی کلمات کاملاً در ذهن فراگیر آنجا گیرد.

مزیت عمده روش واژه محور در روش های حرف محور و با محور این است که فراگیران هنگام یادگیری مهارت خواندن با واژه هایی که دارای مصداق ملموس هستند روبرو می گردند.

از اشکالات این روش این است که کسانی که با این روش آموزش می بینند نسبت به اجزای تشکیل دهنده کلمه هجا آوا و حرف آگاهی و شناخت کافی پیدا نمی کنند .

۲-روش جمله محور یا جمله آموزی: کسانی که معتقد به استفاده از روش جمله محور هستند بزرگترین واحد آن کلمه بلکه جمله می دانند به همین سبب میتوان نظریات این افراد را جمله بنیاد و روش آنها را نیز جمله محور نامید.

از مزیت های این روش یکی اینکه از نخستین جلسه با پیام های معنی دار شروع می‌شود و در نتیجه انگیزه کافی برای مشارکت دانش آموزان در امر آموزش را فراهم می‌آورد.

از اشکالات این روش عدم آگاهی دانش آموزان به اجزای کوچک زبانی کلمه است که موجب ایجاد مشکلات زیادی در یادگیری کلمات جدید می‌شود.

رویکرد ترکیبی

- این روش ها ترکیبی هستند از اصول و فرضیاتی که روشهای دیگر به تنهایی بر هر کدام از آن ها تکیه دارند.
- با استفاده از اصول راه ها و مراحل روش های مختلف روشی جدید ابداع کرد که تمام محاسن دو یا چند روش دیگر را داشته و از معایب هر کدام از آنها به دور باشد.
- روش های ترکیبی از نظر کارشناسان ایرانی ترکیبی از اصول یک یا چند روش از روش های تحلیلی با یک یا چند روش از روش های کلی شناخته می شوند.
- روش های مورد اشاره را باید روش های ترکیبی «کلی- تحلیلی» نامید.
- روش هایی هستند که به صورت همزمان هم بصورت های کلی زبان و هم بهصورت های جزئی آن می پردازند.

روش هایی که تا کنون در عمل مورد استفاده قرار گرفته‌اند:

۱. روش ترکیبی جاری ایران: آوا _ کلمه محور

۲. روش لوباخ: آوا _ کلمه محور

۳. روش فریر: هجا _ کلمه محور

نکات مشترک این روش ها: هر سه روش...

- هم به عناصر کلی زبان و هم به عناصر جزئی آن می پردازند.

- از اصول کل نگری، پیشروی از کل به جز، سرعت در خواندن ، پیروی می کنند.
- هم آموزش دو مهارت خواندن و نوشتن به صورت همزمان انجام می شود.
- در هر جلسه از «تکیه گاه تصویری» لازم و مربوط به «کلمه کلید» استفاده می شود.

روش ترکیبی (لوباخ)

- روش ترکیبی «آوا- کلمه محور» است و به آموزش خواندن و نوشتن شکل کلیه کلمات و هم به آموزش تلفظ و نوشتن نشانه های حرفی سازنده کلمات می پردازد.
- تاکنون در ۹۶ کشور و در مورد ۲۷۴ زبان مورد استفاده قرار گرفته است.

برخی از موارد خاص در این روش که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. در این روش آموزش خواندن نخست باید به زبان مادری دانش آموز انجام شود.
۲. برای آموزش خواندن کلمات از تصویر استفاده میشود.
۳. هنگام آموزش نشانه های حرفی یا کلمات جدید این عناصر در همان جلسه حداقل ۵ بار تکرار می شوند.

اشکالات وارده بر این روش

- کشف پدیده های معمولی هم برای فراگیران آشنا و هم شبیه نشانه های حرفی باشند، کوشش زیادی لازم دارد.
- ترسیم اشکال و تنظیم حروف الفبا بر روی آنها طبع هنری و مهارت زیادی می خواهد.

روش ترکیبی (فریر)

- توسط پائولو فریراندیشمند برزیلی مطرح شده و پایه های اصلی این روش را باید در اندیشه های سیاسی او جستجو کرد.
- وی می گوید: آموختن خواندن، یک عمل سیاسی است و باید فرد خود را برای شرکت در امور سیاسی جامعه آماده کند. وی روش خود را برای آموزش خواندن به بزرگسالان بی سواد ابداع کرده است. روش ترکیبی وی را روش «هجا_ کلمه محور» به شمار می آورند.

تدریس مهارت خواندن در این روش طبق مراحل زیر آغاز میشود:

- نخست به کمک تصاویر فیلم یا وسایل آموزشی دیگر بحث های شفاهی صورت می پذیرد.
- معلم که فریر او را «همه‌نگ کننده» می نامد، کارت های اکتشاف را در معرض دید شاگردان قرار می دهد و با استفاده از روش «واژه محور» خواندن شکل کلی کلمه را به آنان یاد میدهد.

- روش فریر دارای مزیت هایی است. این است که به طور همزمان هم به عناصر کلی زبان (کلمات) و هم به اجزای سازنده آنها (حروف و هجاها) توجه دارد و از وسایل آموزشی مانند فیلم، لوح ها و کارت های اکتشاف استفاده میکند.

اشکالات وارده بر این روش:

۱. بیش از حد به آموزش واژه تاکید دارد و به آموزش خواندن و نوشتن جمله که واحد اصلی زبان است توجه کافی ندارد.

۲. در این روش (آگاه سازی) برای آموزش خواندن و نوشتن پایه ارجحیت دارد.

۳. برای دانش آموزان مفید نیست و با ویژگیهای آنان سنخیت ندارد.

«رویکرد تجربه زبانی»

- در این رویکرد هر چهار مهارت زبانی یعنی صحبت کردن و گوش دادن و خواندن و نوشتن در فرایند آموزش خواندن و نوشتن به کار گرفته می شوند.

- تاکید بر یادگیری مهارت های کشف ارتباط بین آواهای زبانی و نشانه های حرفی، به صورت از پیش تنظیم شده بسیار کم است.

- این روش بیشتر روش «شاگرد محور» است.

- از محاسن این روش می توان گفت؛ نخست اینکه در روش مورد بحث هر چهار مهارت زبانی در یک برنامه آموزشی تلفیق شده است. دوم اینکه این روش باعث ایجاد انگیزه قوی در دانش آموزان جهت یادگیری، فعال بودن دانش آموز می شود. سوم این روش مشکل تلفظ صحیح لغات را به حداقل میرسد.

اشکالات وارد بر این روش:

۱. مفید نبودن برای کسانی که به زبانی غیر از زبان رسمی کشور صحبت می کنند.

۲. نیاز داشتن به معلمان کارآزموده ؛

۳. عدم کاربرد موثر در کلاس های پرجمعیت.

«رویکرد چند حسی»

الف) مبانی روانشناختی: این رویکرد در آموزش مهارت خواندن به طور همزمان در برنامه های کاملاً منسجم علاوه بر قوای بینایی، شنوایی و گویایی، از قوای حرکتی و لامسه بهره میبرد.

در این رویکرد مطالب ارائه شده راحت تر و بهتر آموخته شده، کاملاً در ذهن فراگیران تثبیت می گردد. برای آموزش خواندن و نوشتن به دانش آموزانی که دچار ناتوانی های یادگیری هستند، بیشتر استفاده می شود.

ب) مبانی زبان شناختی: مانند دیگر روش های چند حسی علاوه بر قوای سه گانه، بر استفاده از قوای لامسه و عضلانی نیز تغییر می شود. مهمترین تکنیک و شیوه پیشنهادی فرناند «شیوه ردگیری» است.

اشکالات وارد بر این روش:

۱. این روش برای همه دانش آموزان طراحی نشده است. بلکه برای دانش آموزانی است که دچار ناتوانی یادگیری هستند. توجه ناکافی به آموزش خواندن و نوشتن جمله (واحد اصلی زبان)

«رویکرد زبان شناختی»

- مبتنی بر اصول و یافته های علم «زبان شناسی» است.
- بر اصول زیر بنیان گذاشته شده است:
- ۱_ جمله مهمترین واحد زبانی است.
- ۲_ از دو خصوصیت زبانهای انسانی (جانشینی و همنشینی
- ۳_ استفاده از «تکرار زیاد ان عناصر است»...
- در این روش به ساخت آوایی زبان تاکید می شود.
- این روش به طور همزمان به عناصر ساخت های آوایی، صرفی، نحوی، و معنایی توجه می شود.

از مزیت های عمده این روش:

۱. اتکا بر توانش زبان گفتاری دانش آموزان
۲. استفاده از دو خصوصیت حاکم بر زبانهای انسانی؛ جانشینی و همنشینی
۳. استفاده وسیع از جفت های کمینه در زبان مورد آموزش
۴. توجه به همه واحد های زبانی (حرف، آوا، هجا و...)...

اشکالات وارد بر این روش:

- عدم استفاده از تکیه گاه تصویری
- عدم کارایی مفید آن در زبان هایی که دچار مشکل رسم الخطی هستند.
- در آخر؛ یافتن جفت های کمینه مناسب برای آموزش هم حروف ممکن نمی باشد.

۷_۳_۵ رویکرد الفبای اصلاح شده

هیچ زبانی در دنیای کنونی وجود ندارد که بین آوا های آن و نشانه های حرفی نظام نوشتاری اش رابطه کاملاً یک به یک و متناظر برقرار باشد. در تمام زبانها از جمله زبان فارسی که زبان رسمی و آموزشی ایران است نیز این مشکلات مشاهده می شود.

این اشکالات هم دانش آموزان و هم معلمان را در امر یادگیری و آموزش مهارت های خواندن و نوشتن (به ویژه املا) دچار مشکلات جدی می کند .

برای حل این مسائل برخی راه حل هایی ارائه داده اند که در سه گروه زیر دسته بندی می شوند :

۱-تغییر خط به طور کامل ؛ مانند کشور ترکیه در زمان کمال آتا تورک

۲-اصلاح خط ؛ مانند اصلاح خط قرآن کریم در قرون اولیه هجری

۳-اصلاح روش آموزش

راه حل اول به دلایلی چند از جمله قطع ارتباط نسل کنونی با فرهنگ و آثار مکتوب گذشته میسر نیست اما شیوه های دوم و سوم بر این باورند که باید فراگیران به وسیله یک نظام نوشتاری که بدون اشکال باشد به مهارت های اولیه خواندن ک نوشتن دست پیدا کند و سپس آنها را به سوی یادگیری خواندن و نوشتن نظام واقعی نوشتاری هدایت کرد .

این روش ها در اکثر موارد فقط در سال اول آموزش جهت (آسان سازی یادگیری) به کار می روند .

مشهور ترین این روش ها (روش الفبای آموزش پایه یا اولیه) (روش نشانه های ممیز) و(روش الفبای رنگین) است، که به ترتیب به شرح هر کدام میپردازیم:

("روش الفبای آموزش پایه یا اولیه")

در این روش فراگیران در مرحله اول آشنایی با مهارت خواندن

از تناقضات موجود در رابطه خط و عناصر ساخت آوایی زبان دور خواهند بود و همه نیروی خود را فقط صرف یادگیری این خواندن میکنند. در این روش بر تمرین (نوشتن) تاکید زیادی میشود.

از جمله اشکالات این روش : (خطر ایجاد زمینه غلط آموزی برای دانش آموزان) (مشکل بودن اجرای مرحله حذف نشانه های اضافی)("روش نشانه های ممیز")

در این روش برای نشان دادن تلفظ اصلی کلمات در مواردی که بین تلفظ این عناصر و نشانه های حرفی سازنده آنها رابطه یک به یک برقرار نیست از علائم اضافی استفاده می شود.

پس از مدتی که مهارت خواندن تا اندازه زیادی توسط فراگیران آموخته شد ، اندک اندک به حذف این علائم اضافی اقدام میشود. اشکالات:(خطر ایجاد زمینه غلط آموزی)

("روش نشانه های رنگین")

در این روش به جای تغییر دادن شکل حروف یا اضافه کردن تعدادی نشانه حرف اضافی از رنگ های مختلفی استفاده میشود. بدین ترتیب که برای نمایش آوا ها بدون توجه به جای آنها در کلمات از یک رنگ مخصوص استفاده می شود تا به رابطه بین صامتها و نشانه های حرفی معادل آنها نظم و قاعده بیشتری بخشد.در این روش بر خلاف دو روش قبلی در

شکل املایی کلمات و حروف سازنده آنها تغییری نمی دهد بلکه از رنگ به عنوان یک عنصر (بصری) برای تسهیل یادگیری خواندن یاری میگیرد. روش نشانه های رنگین از (حس بینایی) فراگیران بیشتر از هر دو روش سود می جوید .

اشکالات: (دشواری مرحله حذف رنگهای مختلف و انتقال دانش آموزان به مرحله یادگیری نظام نوشتاری بدون استفاده از رنگ).

۴_۵ تدریس مهارت خواندن در کلاس اول دبستان

برنامه تدریس مهارت های خواندن و نوشتن در کلاس اول ابتدایی دارای دو دوره است:

۱- دوره آمادگی، ۲- دوره آموزش خواندن پایه الف) دوره آمادگی: در این دوره به دو هدف اصلی عمده اختصاص دارد:

اهداف مربوط به زبان گفتاری اهداف مربوط به زبان نوشتاری

تقویت و اصلاح زبان گفتاری در دوره آمادگی شامل اهداف زیر است:

-آموزش غیر مستقیم این نکته که واحد های زبانی مثل کلمه از اجزای کوچک تری مثل هجا (بخش) و آوا (صدا) تشکیل شده است

- اصلاح تلفظ کلمات یا بیان نام تصاویر مقدمات یادگیری زبان نوشتاری

-آموزش صحیح گرفتن مداد و گچ و ماژیک

-آموزش مفاهیم (خط زمینه) و مفاهیم (روی خط) (بالای خط) (پایین خط) که در نوشتن حروف سازنده کلمات بسیار مهم هستند.

(ب) آموزش خواندن پایه

هدف اصلی آموزش خواندن در پایه اول ابتدایی این است که دانش آموزان مهارت های اساسی خواندن به زبان فارسی را بیاموزند، کلیه حروف الفبای فارسی را بشناسند و کلمات ساده، جمله های ساده و متون ساده را به راحتی بخوانند.

برای رسیدن به این هدف از میان رویکرد های ترکیبی و از میان روش های منتسب (رویکرد روش ترکیبی ایران) مورد استفاده قرار گیرد.

در روش ترکیبی ایران معمولاً از یک کلمه (کلمه کلید) به عنوان ابزار اصلی آغاز تدریس استفاده میشود. سپس آن کلمه به اجزای کوچکتر یعنی هجا ها و آوا ها (حروف) تجزیه میشود.

(مراحل روش ترکیبی ایران)

۱- گرفتن کلمه کلید از زبان دانش آموزان ۲- بخش کردن کلمه کلید ۳- صدا کشی بخش های کلمه کلید

۴-نوشتن کلمه کلید روی تابلو با رعایت اصول خط زمینه ۵-خواندن کلمه کلید از سوی دانش آموزان

۶-با: شناسی، حروف و بخش‌های سازنده کلمه کلید ۷-نوشتن کلمه کلید به وسیله دانش‌آموزان روی خط زمینه در تابلو

۸- بازکردن کتاب و خواندن متن درس ۹- تمرین نوشتن متن درس در دفترچه

۱۰- درج حرف جدید در جدول حروف الفبا (مرحله ۱) گرفتن کلمه کلید از زبان دانش آموزان:

حرف جدید در هر درس در قالب کلمه ای تدریس میشود که دانش آموزان سایر حروف آن کلمه را آموخته باشند (جز درس اول) این کلمه را کلمه کلید می نامند.

مرحله ۲ و ۳) بخش کردن و صدا کشی بخش های کلمه کلید:

در مرحله دوم و سوم روش ترکیبی ایران کلمه کلید به عناصر سازنده خود یعنی هجاها و آواها تجزیه میشود. تا دانش آموزان دریابند صورت های کلی زبان از واحد های کوچک تر ساخته میشوند.

مرحله ۴) نوشتن کلمه کلید روی تابلو با رعایت اصول خط زمینه :

در این مرحله معلم با جلب توجه دانش آموزان کلمه کلید را با دقت روی خط زمینه مینویسد و به این ترتیب طرز نوشتن حرف جدید و چگونگی ارتباط آن با دیگر حروف را آموزش می دهد.

مرحله ۵) خواندن کلمه کلید از سوی دانش آموزان:

این مرحله به آموزش صحیح شکل کلی کلمه کلید اختصاص دارد.

مرحله ۶) بازشناسی حروف و بخش های سازنده کلمه کلید:

در این مرحله دانش آموزان به بازشناسی عناصر سازنده کلمه کلید میپردازند.

مرحله ۷) نوشتن کلمه کلید به وسیله دانش آموزان:

در این مرحله معلم از دانش آموزان می خواهد با استفاده از گچی که هم رنگ نوشته روی تابلو نباشد شکل حرف جدید در کلمه کلید را رنگ کنند.

مرحله ۸) بازکردن کتاب و خواندن متن درس

معلم از دانش آموزان میخواهد کتاب خود را باز کرده و متن درس مورد نظر را بخوانند. هنگام آموزش خواندن از شیوه های خواندن استفاده میشود.

مرحله ۹) تمرین نوشتن متن درس در دفترچه:

در این مرحله دانش آموزان با راهنمایی معلم متن درس را در دفترچه خط دار خود مینویسند.

مرحله ۱۰) درج حرف جدید در جدول حروف الفبا:

در این مرحله معلم حرف جدید را در خانه مربوط به آن حرف در جدول حروف الفبا که قبلا در کلاس نصب شده است درج میکند.

۵-۵ تدریس مهارت خواندن در کلاسهای دوم تا پنجم دبستان

۱-آموزش روانخوانی متون ساده

این متون بدون استفاده از خط زمینه و با حروف چاپی و رسم الخط معمول جامعه نگاشته میشوند و به این ترتیب دانش آموزان را برای استفاده از متون عادی موجود در فرهنگ مکتوب جامعه آماده می کنند.

۲-شیوه تدریس متون ویژه روانخوانی

پیش از خواندن متن به صورت شفاهی و با استفاده از شیوه های داستان گویی یا سخنرانی درباره موضوع متن مورد نظر صحبت کنید و استفاده از شیوه بحث و گفتگو آنان در روند تدریس یادگیری مشارکت دهید.

۳-روش های خواندن متن (مطالعه)

روش های خواندن که در دبستان کاربرد دارند عبارتند از:

۱-خواندن با صدا : الف-خواندن خطایی (ب) همخوانی

۲-صامت خوانی (خواندن مستقل) الف) خواندن اجمالی

ب) مطالعه سریع (تند خوانی) ج) گروه خوانی (عبارت خوانی) خواندن خطایی :

در این نوع خواندن معمولاً معلم یا یک دانش آموز خطاب به دیگران متنی می خواند و آنان ضمن گوش کردن به متن کتاب هم نگاه میکنند.

همخوانی:

در این نوع خواندن معلم یا یک دانش آموز متن را می خواند و دانش آموزان دیگر با صدای بلند آن را تکرار میکنند.

خواندن اجمالی :

هدف از این نوع مطالعه دستیابی به نکته ها و مطالب مهم متن یا کتاب و کشف ساختار و مضمون کلی آن است.

مطالعه سریع (تند خوانی):

تند خوانی مستلزم حرکت منظم و همراه با آهنگ مناسب چشم با سرعت زیاد بر روی صفحات و هماهنگی ذهن با این حرکات است.

گروه خوانی (عبارت خوانی):

اهداف اصلی گروه خوانی افزایش سرعت مطالعه است.

بنابراین دانش آموزان باید عادت کنند به جای خواندن کلمه ها به خواندن گروه ها و جمله ها بپردازند. مثلاً به جای کلمه به کلمه خواندن گروه اسمی (پیامبر+بزرگ+اسلام) این عبارت را یکجا و به صورت (پیامبر بزرگ اسلام) بخوانند

نظر استاد:

ضمن عرض سلام و خسته نباشید و تقدیر و تشکر از زحمات دانشجویان عزیز، فعالیتتان مورد قبول بود.

نمره فعالیت : ۱۰ از ۱۰

تهیه کنندگان: امین تقی لو- علی حمیدی فرد- مهدی صمدی



خلاصه فصل ششم

سرفصل: مهارت نوشتن و روشهای و شیوه های تدریس آن در دوره دبستان

یک دیدگاه مشترک درباره نوشتن این است که نوشتن برقراری ارتباط و انتقال اطلاعات و عقاید از طریق نظامی از نشانه های مکتوب است. اما اگر به تلاش خودمان توجه کنیم درمیابیم که نوشتن شامل مراحل زیر می باشد:

۱. کشف چیزی که میخواهیم از طریق نوشتار بیان کنیم (انتخاب پیام)

۲. تنظیم و سازماندهی پیام (در قالب زبان) ۳. روی کاغذ آوردن پیام

۴. بازبینی و انجام اصلاحات لازم ۵. ارائه نهایی به خواننده

در کل امر نوشتن یک آفرینش و خلاقیت تام است که در یک طرف آن خلق افکار و اندیشه ها و در طرف دیگر خلق و نظم بخشی این اندیشه ها در قالبهای زبانی مورد نظر قرار دارد.

مراحل یادگیری نوشتن:

۱. حرف نویسی و کلمه نویسی ۲. املانویسی ۳. کلمه سازی ۴. جمله نویسی و متن نویسی (انشا)

معیارهای اولیه آموزش نوشتن:

۱. نوشتن باید به عنوان برنامه درسی با مقدمه شروع گردد.

۲. تدریجی تدریس کردن (یک به یک) حروف.

۳. انجام مقدار کافی تمرینات عضلانی ابتدایی.

در این کتاب مراحل آموزش نوشتن به صورت زیر رده بندی می شود:

۱. آموزش نوشتن فیرفعال ← رونویسی

۲. آموزش نوشتن نیمه فعال ← املا

۳. آموزش نوشتن فعال پایه یک ← کلمه سازی

۴. آموزش نوشتن فعال پایه دو ← جمله سازی

۵. آموزش نوشتن فعال (خلاق) ← انشا و انواع آن

آموزش رونویسی: اولین هدف رونویسی در پایه اول دبستان این است که دانش آموزان بتوانند کلیه حروف الفبای فارسی و حرف گ. نه های آنها را به شکل صحیح نوشته ، سپس شکل صحیح کلمه ها و جملات را در کتاب درسی خود تقلید نمایند. به فرایند تقلید از اشکال نوشتاری "رونویسی" گویند.

مرحله اول. شناخت و تولید اشکال مشابه حروف: این مرحله با مدل‌های شبیه حروف آغاز شده و نوشتن از راست به چپ، نوشتن از بالا به پایین، نوشتن از پایین به بالا، نوشتن حروف دارای انحنا یا نیم دایره، نوشتن حروف مورب از بالا به پایین، نوشتن نقطه و سرکش را یاد می‌دهد.

مرحله دوم. شناخت و تولید حروف الفبای فارسی: دانش آموزان در هر درس با یکی از حروف الفبای فارسی و حرف گونه‌های آن آشنا می‌شوند و علاوه بر تلفظ آنها باید شکل درست نوشتن آنها را نیز بیاموزند.

چند نمونه تمرینات مفید این مرحله:

۱. رونویسی با تقلید از حروف موجود در کتاب یا تخته سیاه

۲. مشخص کردن حروف در کلمات داده شده مانند ص ← خروس، صابون

۳. تشخیص تعداد حروف سازنده کلمات مانند شهر: سه حرف ز رنگ: چهار حرف

۴. تشخیص تعداد دندان‌های حروف مانند سار، بار، صابون

۵. کلمه نویسی با حرف داده شده مانند ساختن دو کلمه با حرف ((ل))

آموزش املا: این مهارت به معنی توانایی جانشین کردن صحیح صورت نوشتاری حروف، کلمات و جملات به جای صورت آوایی آنهاست. دانش آموزان با بدست آوردن این مهارت میتوانند ارتباط مناسبی بین صورت تلفظی کلمات و حروف سازنده آنها برقرار سازند.

هنگام نوشتن املا، دانش آموزان باید نکاتی درباره صداها و کلمات در قالب کلمات و جملات بر زبانش جاری می‌کند را رعایت کنند:

۱. خوب بشنوند ← تشخیص دقیق کلمه ← ادراک کلمه.

۲. خوب تشخیص دهند ← یادآوری و جسم ساختن تصویر ← بازشناسی کلمه صحیح در ذهن.

۳. درست بنویسند ← نوشتن صحیح حروف سازنده کلمه ← بازنویسی کلمه و توالی مناسب آنها.

هر کدام از این فرایندها به ترتیب با حافظه شنیداری، حافظه دیداری و حافظه حرکتی ارتباط مستقیم دارند.

برخی از اشکالات املائی دانش آموزان از دیدگاه روانشناختی از موارد زیر سرچشمه می‌گیرند (ذکر چند مورد):

۱. ضعف در حساسیت شنوایی مانند "زاله" ← "جاله" ۲. ضعف در حافظه شنوایی مانند "جا انداختن کلمات"

۳. قرینه نویسی ۴. وارونه نویسی ۵. عدم دقت مانند "گندم" ← "کندم" و ...

با تدبیر بیشتر میتوان دریافت که مسائل زبانشناختی و روانشناختی نه تنها با هم تناقضی ندارند بلکه می توانند در تشخیص و ارائه راه حل برای مشکلات آموزش زبان فارسی و املا مکمل هم باشند و به عنوان دو علم پویا به امر آموزش فارسی خدمت کنند مانند "اشکال املائی ژاله جاله"

روش تدریس املا. واژه املا عربی و معنای آن "نوشتن مطلبی است که دیگری بگوید یا بخواند" در زبان گفتار بیشتر مردم ایران کلمه "دیکته" نیز رواج دارد که کلمه ای فرانسوی می باشد.

اهداف دربرگیرنده املا در برنامه آموزشی دوره ابتدایی:

۱. آموزش صورت صحیح نوشتاری کلمه و جمله سازی. ۲. تشخیص اشکالات املائی و رفع آنها.

۳. تمرین آموخته های نوشتاری در رونویسی.

همچنین درس املا نویسی پایه ای برای نوشتن فعال نیز میباشد: رونویسی ← املا ← نوشتن فعال یا خلاق (انشا)

روش پیشنهادی آموزش املا:

زیربنای این روش توجه به "وجه آموزشی" درس املاست، چراکه تاکنون بیشتر به "وجه آزمونی" املا توجه شده است، بدون آنکه نخست به آموزش املائی کلمات پرداخته شود.

نخست به آموزش چگونگی املائی کلمات پرداخته می شود و در مرحله بعد، پس از رفع اشکالات فراگیران آزمون املا اخذ می گردد. پس از آزمون، به طریقه مشارکتی استخراج نتایج صورت گرفته و سپس تمرینات مختلفی برای تقویت مهارتهای املائی دانش آموزان انجام می گیرد که در این تمرینات هم به مهارتهای ذهنی و هم به مهارتهای عملی توجه میگردد.

نگات برجسته و کلیدی روش آموزش املائی فارسی:

۱. توجه بیشتر به "وجه آموزشی" درس املا نسبت به "وجه آزمونی" آن.

۲. انعطاف پذیری در انتخاب تمرینات در هر جلسه املا.

۳. توجه به کلمات به عنوان عناصر سازنده جملات زبانی.

۴. ارتباط زنجیروار و املاهای اخذ شده در جلسات گوناگون.

چهار گام اساسی روش پیشنهادی آموزش املا که باید رعایت گردد:

گام ۱. انتخاب متن املا و نوشتن آن روی تخته سیاه و خواندن آن.

گام ۲. قرائت املا توسط معلم و نوشتن آن توسط دانش آموزان.

گام ۳. تصحیح گروهی املاها و تهیه فهرست خطاهای املایی.

گام ۴. تمرینات متنوع با توجه به اولویت بندی اشکالات املایی استخراج شده.

آموزش کلمه سازی: میتوان کلمه سازی را آغاز مرحله نوشتن فعال دانست. با انجام تمرینات کلمه سازی،

دانش آموزان تا حد زیادی با ساختار درونی کلمه ها آشنا می شوند. این آشنایی باعث می شود، دانش آموزان با شناخت بهتر از کلمه ها، در خواندن املا و جمله سازی موفق تر عمل نمایند. شیوه هایی برای انجام تمرینات کلمه سازی:

۱. نقش حروف در ساخت کلمات.

الف) گفتن و نوشتن کلماتی (شهر، گل، میوه، رنگ، نام پسر، نام دختر و...) که با حروف خاصی شروع یا ختم می شوند. پاسخها (ساری، مشهد، آلاله، سوسن، شلیل، آلبالو، آبی، سفید، بهزاد، علیرضا، مهری، سارا و...)

ب) تمرین وارونه کردن کلمات: سرد ← درس خاک ← کاخ شام ← ماش

۲. تمرینات ویژه ساخت صرفی کلمه.

الف) مفرد و جمع: کتاب ← کتابها ب) پیشوندها و پسوندها: درد ← دردناک

ج) نشانه های منفی ساز: میروم ← نمی روم د) هم خانوادگی: علم ← تعلیم، معلم

ه) ضمائر: کتاب من کتابم ← و) ساخت قیدی: زود ← به زودی

ز) حالت اضافه (مضاف و مضاف الیه): دندان + من ← داندان من

۳. روابط معنایی کلمات.

الف) تضاد معنایی: سرد ← گرم ب) مترادف (هم معنایی): پند ← نصیحت ج) حوزه معنایی: خروس ← روباه

آموزش جمله سازی: هدف اصلی آن در ابتدای دوره دبستان آموزش خواندن و نوشتن فارسی پایه می باشد و نیز یکی دیگر از اهداف آن ایجاد توانایی اولیه نوشتن فعال در دانش آموزان است. جمله سازی در واقع مقدمه ای برای آماده سازی دانش آموزان در درس انشاست.

در جمله دو اصل مورد نظر است:

اصل اول. پیام جمله، که باید از لحاظ معنایی و حقایق برون زبانی صحیح و متناسب باشد.

اصل دوم. ساخت نحوی جمله، که باید با اصول و قواعد ساخت جمله در زبان فارسی منطبق باشد.

ذکر چند مورد از انواع تمرینات جمله سازی:

۱. جمله سازی شفاهی. قبل از به شکل مکتوب آوردن جمله لازم است که با تمرینات شفاهی همچون تمرین پرسش و پاسخ، دوباره سازی جمله سازی با کلمات داده شده آمادگی لازم ذهنی و روانی آنها را در آنان به وجود آوریم.

۲. تشخیص صحت جمله. با ارائه چندین جمله صحیح و غلط، از دانش آموزان می خواهیم صحت و سقم آنها را تشخیص دهند مانند "حسن به مدرسه رفت." "خرس پرواز کرد."

۳. جور کردن گروه کلمات. دو فهرست از گروه کلمات به دانش آموزان ارائه می کنیم و از آنان می خواهیم بین گروههای واژگانی ارتباط معنی دار برقرار نمایند.

۴. پرکردن جای خالی جمله. در این تمرین جمله هایی را که جای یک یا چند کلمه آنها خالی است را به دانش آموزان داده و از آنان می خواهیم که کلمات را در جای متناسب جمله قرار دهند مانند "گرما ضد.... است. (دربا، سرما، خرما)"

۵. منظم سازی جملات درهم ریخته. کلمه های جمله را بدون نظم خاصی درهم ریخته و از دانش آموزان می خواهیم که جمله های صحیح و منظم بسازند:

مانند "سینما، به، دوستم، رفتم، با، من: من با دوستم به سینما رفتم."

۶. کوتاه سازی. در این تمرین با کلمات داده شده از دانش آموزان می خواهیم که جملات داده شده را کوتاه نمایند مانند "حسن و برادرش به خانه ما آمدند. (آنان)"

۷. جمله سازی در قالب پاسخ به پرسشهای مکتوب. در این تمرین، که در تقویت درسهای دیگر مثل علوم، ریاضی، تاریخ و... بسیار موثر است، لز دانش آموزان به صورت کتبی سوالاتی می پرسیم و از آنان می خواهیم که با ساختن جمله یا چند جمله سوالات را پاسخ دهند. بدین ترتیب تعامل درسهای دیگر با درس جمله نویسی به برقرار می شود.

انشا و روشهای آن: مرحله نگارش فعال (خلاق) است که خود هدف غایی آن آموزش مهارت نوشتن می باشد.

تمام مراحل قبلی نوشتن یعنی رونویسی، کلمه سازی، جمله سازی و املا در واقع مقدماتی هستند تا دانش آموزان را آماده نگارش خلاق نمایند. نقش انشا در دبستان این است که فرصتهای لازم را برای دانش آموزان جهت یادگیری مهارت های متنوع نوشتن فعال فراهم کند مانند نوشتن توصیفی، واقعه نگاری، خاطره نویسی، نامه نگار شخصی و....

همین چهار هدف برای دانش آموزان سطح دبستان کافی است و انواع دیگر نوشتن خلاق مثل گزارش نویسی، بیوگرافی، سفرنامه نویسی، قراردادها و.. را باید به مقاطع راهنمایی و دبیرستان محول کرد.

برخی از ملزومات تسلط بر نوشتن فعال (انشا) در دوره دبستان عبارتند از:

۱. توانایی به کارگیری اطلاعات، دانشها و تجربیات خود.

۲. توانایی سازماندهی و نظم بخشی به افکار، مقاصد و نگرشهای خود.

۳. توانایی استفاده از علائم نشانه گذاری.

این ملزومات پایه های درست نویسی را بنا می نهد. اما موضوعاتی که انتظار می رود یک دانش آموخته دوره دبستان بر نگارش آنها مسلط باشد عبارتند از:

۱. خلاصه نویسی متون داده شده. ۲. توصیف یک رویداد یا واقعه. (واقعه نگاری)

۳. تشریح وضعیت یک مکان مشخص یا یک موقعیت ویژه یا یک شیء.

۴. یادآوری و توصیف یک ماجرای شخصی. (خاطره نویسی)

۵. ارتباط نوشتاری با افراد دیگر به وسیله نامه. (نامه نگاری شخصی)

پنج مبحث یادشده را در اصطلاح برنامه ریزی درسی می توان "محصول آموزش نوشتن فعال" در دوره دبستان دانست، اما برای شکل گیری و تحقق این پنج نوع نگارش به روش یا روشهای تدریس ویژه ای هم نیاز است. متأسفانه تاکنون در برنامه آموزش انشا در دوره دبستان آنچنان توجهی به فرایند نوشتاری نشده است و ساعات درس انشا با تمرکز بر "محصول نوشتار" اداره می شده است درست مانند درس املا.

با ذکر این نقصها می پردازیم به چندین روشهای آموزش انشا (مهم ترینها):

۱. روش سنتی. شامل یک برنامه بسیار ساده بوده و معلم چندین موضوع را انتخاب و میخواهد که دانش آموزان

درباره یک موضوع مطلبی بنویسند و سپس چند دانش آموزان نوشته های خود را قرائت کرده و معلم نمره هایی به آنها می دهد. این روش آموزش، بیشتر از آنکه بر "فرایندهای نگارش" تکیه کند بر "محصول نگارش" تاکید دارد.

در این روش تجربه نشان داده است که شمار زیادی از دانش آموختگان به هیچ وجه به مهارتهای نوشتن فعال دست نمی یابند که دلایل زیادی داشته ولی عمده دلیل آن را میتوان در حاکمیت روش آموزش سنتی انشا دانست.

۲. روش الگوهای نوشتاری. فرض بر این است که دانش آموزان قبل از اینکه از قدرت تفکر تثبیت شده ای

برخوردار باشند می توانند تقلید از یک سبک نوشتاری را فرا گیرند. در کل می توان گفت که طبق این روش دانش آموزان پس از مواجه شدن با متون از قبل نوشته شده، با تقلید از آنها به یادگیری نوشتن می پردازند. ایراد این روش نیز این است که تا حد زیادی به "محصول نوشتار" توجه دارد دانش آموزان با نوشتن فعال درگیر نمی شوند.

۳. روش مراحل نگارش. بر این نظر استوار است که باید دانش آموزان را از فرایندهای نوشتاری آگاه کرد. این روش وظیفه معلمان را در درس انشا به کارگیری این فرایندها و آموزش آنها می داند. فرایند نوشتار را شامل سه مرحله دانسته اند: ۱. مرحله پیش از نگارش. ۲. مرحله نگارش. ۳. مرحله ویرایش و بازبینی.

۴. روش تلفیق جمله ها. یک روش ترکیبی بوده، چونکه هم از برخی جنبه های روش الگوهای نوشتاری وهم از برخی جنبه های روش مراحل نگارش سود می برد. اما اساس نام گذاری این روش بر این اصل استوار است که در این روش به "جمله های زبان نوشتاری" اهمیت خاصی داده می شود. طرفداران این روش معتقدند نباید دانش آموزان را به یکباره با مسائل پیچیده نوشتن درگیر کنیم، بلکه بهتر است جمله را محور کار قرار دهیم و سپس رفته رفته دانش آموزان را هدایت کنیم تا با ترکیب جمله ها متن مورد نظر را بنویسند. بدین ترتیب اصل "آموزش از ساده به مشکل" نیز رعایت می شود.

۵. روش رابطه ها. بر رابطه هایی تاکید دارد که میان نویسنده، خواننده و موضوع نوشته وجود دارد. طبق این روش آموزش درس انشا مستلزم برقراری ارتباط صحیح میان این سه است. می توان با کمک ادارات آموزش و پرورش، بین بچه های دوره دبستان در سراسر کشور در قالب "دوستان مکاتبه ای" ارتباطات نوشتاری برقرار کرد تا بدین ترتیب با معضل عدم وجود مخاطب مناسب در آموزش درس انشا مقابله نمود.

۶. روش نظریه جهانی. بر این بنیاد استوار است که اگر کسی می خواهد درباره چیزی مطلبی بنویسد، باید درباره آن اطلاعات کافی و دیدگاه روشنی داشته باشد. در واقع نوشتن کارآمد و صحیح بر اساس نظریه نویسنده در مورد جهان شکل می گیرد. جوزفین مایلز در این باره می گوید موضوع "شهر من" سوژه جالبی برای انشا نیست اما "شهر من دوست داشتنی نیست" موضوع مناسبی است. باید علاوه بر ارائه اطلاعات و دانش به دانش آموزان در یک زمینه خاص آنان را به ارزشیابی قضاوت در آن زمینه تشویق کرد تا بتوانند با استفاده از قضاوت های خود مطالبی بنویسند.

انواع نگارش ویژه دانش آموزان دوره دبستان:

۱. خلاصه نویسی متون داده شده. هر نوشته ای را به دو صورت می توان خلاصه کرد که یکی "حذف مطالب زاید" است و دیگری "نقل به مضمون" و کوتاه کردن مطلب یا به عبارت ساده تر بازنویسی می باشد.

مورد اول بیشتر در خلاصه نویسی مقاله ها و سخنرانیها برای درج در مجلات و.. استفاده می شود و میتوان آن را "شیوه مطبوعاتی" نیز نامید. ولی روش دوم برای خلاصه کردن کتاب های علمی و داستانی متداول است.

ذکر چند مورد مهم و ظریف خلاصه نویسی:

۱. خواندن با دقت نوشته و خط کشیدن زیر مطلب اصلی و مهم آن.

۲. حذف واژه های مترادف و هم معنی در مطلب.

۳. به صورت متوالی در آوردن نکات مهم یادداشت شده.

۴. خواندن متن جدید نوشته شده و ارتباط منطقی پیدا کردن میان واژگان جدید.

۵. عدم لطمه خوردن به اساس مطلب و حذف زاید.

۶. رعایت قواعد املائی، رسم الخطی، هماهنگی زمان افعال و پاراگراف بندی و... در متن جدید.

۷. خواندن دوباره مطلب و تجدیدنظر نهایی درباره آن.

۲. تشریح وضعیت یک مکان شیء یا شخص. (توصیف عینی): از دانش آموزان خواسته می گردد به وصف ساده ترین

اشیاء، مکان یا یک انسان بپردازند. انتظار می رود با انجام تمرینات برای توصیف عینی، دانش آموزان به اهدافی چون مشاهده دقیق اطراف خود، توجه به جزئیات و کشف چیزهای تازه و شجاعت بیان نظرات و عقاید شخصی خود دست یابند. مشاهده خوب و دقیق امکان پرورش تخیل معقول را فراهم می کند.

۳. خاطره نویسی. یکی از انواع نوشته های پرجاذبه، شیرین و خواندنی حسب حال یا همان یادداشتهای روزانه میباشد. این مورد علاوه بر ثبت و ضبط رویدادهای زندگی نوعی تمرین در نویسندگی به شمار می رود. بنابراین به معلمان کلاسهای چهارم و پنجم دبستان توصیه می شود دانش آموزان را تشویق به تهیه دفتر برای نوشتن خاطرات روزانه خود بکنند. باید به دانش آموزان یاد داد که در نوشته خود هیچ نوع محدودیتی را به وجود نیاورند. یک راه برای نوشتن خاطرات روزانه این است که دانش آموز هر روز رؤس حوادث و وقایع و نکات مهمی را که به ذهن می آید را یادداشت کرده و در پایان روز در یک فرصت مناسب آنها را تنظیم نماید.

۴. نامه نگاری. در واقع از ضروری ترین مهارتهای نوشتن فعال (خلاق) می باشد که دانش آموزان باید از همان دوره دبستان با بخشی از آن، یعنی "نامه نگاری شخصی" آشنا شوند، سپس در مقاطع بعدی تحصیلی نامه نگاری اداری را هم بیاموزند.

از اصول نامه نگاری شخصی که معلمان درس انشا باید در کلاسهای پنجم به دانش آموزان یاد دهند:

۱. عدم استفاده واژه های دشوار و ادیبانه در متن و از طرف دیگر باید از به کارگیری واژه های خیلی عامیانه نیز اجتناب کرد.

۲. صفت‌هایی که در نوشتن نامه به کار گرفته می شود باید درخور شخص مخاطب باشد.

۳. دنبال کردن هدف خاصی در نوشتن نامه و هدفمند بودن نوشته و پرهیز از پراکنده نویسی.

۴. رعایت کردن همه قواعد املائی، رسم الخطی و اصول نشانه گذاری مورد پذیرش جامعه فارسی زبانان.

۵. بهتر است از خط نستعلیق تحریری (روزنامه ای) استفاده شود و از شکسته نویسی خودداری گردد.

۶. رعایت قواعد نوشتن نشانی در پشت و روی پاکت و جای تمبر و ذکر تاریخ و نام به خصوص در نامه های دوستانه.

۵. تبدیل گفتار به نوشتار. در درس انشا می توان از ارتباط زبان شفاهی و مکتوب به خوبی استفاده کرد. دانش آموزان دبستان به طور طبیعی رشد زبانی خود را طی کرده اند و در ساعات متمادی ای از روز از زبان گفتاری استفاده می کنند، بنابراین از ذخایر واژگانی و اطلاعات و تجربیات زبانی نسبتاً خوبی برخوردارند که معلمان می توانند از این ذخایر واژگانی برای تقویت زبان نوشتاری دانش آموزان بهره بگیرند.

معلم می تواند با کمک دانش آموزان، تربیتی اتخاذ کند که قطعه ای از زبان گفتاری را در کلاس مطرح نماید و پس از نوشتن آن روی تابلو از دانش آموزان بخواهد متن گفتاری را به متن نوشتاری تبدیل کند. این تمرین را باید در ابتدا از سطح جمله شروع کرد و سپس با گذر زمان به متن رسید. مانند:

- داداشم واسه تولد مامانمون یه کیف خرید، منم واسش یه کتاب خریدم.

- برادرم برای تولد مادرمون یک کیف خرید، من هم برای او یک کتاب خریدم.

نظر استاد:

ضمن عرض سلام و خسته نباشید و تقدیر و تشکر از زحمات دانشجویان عزیز، فعالیتتان مورد قبول بود.

نمره فعالیت : ۱۰ از ۱۰



تهیه کنندگان: علیرضا بهادری، وحید زارع، امیرحسین قمری، رضا تیموری

فصل هفتم

اصول حاکم بر روشهای آموزشی زبان فارسی به عنوان زبان دوم

مفهوم زبان گویش و لهجه

هر انسانی که در جهتن زندگی میکند عضو یک جامعه زبانی است. می توان گفت به تعداد زبان های موجود در جهان جامعه زبانی وجود دارد مانند جتمع زبانی فارسی -جامعه زبانی چینی.

مرزهای جامعه زبانی و مرزهای جغرافیای-سیاسی کشور ها لزوما باهم منطبق نیستند. چه بسا درون مرز های سیاسی یک کشور چند جامعه زبانی وجود دارد. مانند جامعه زبانی انگلیسی که در امریکا-استرالیا-کانادا -انگلستان و غیره وجود دارد.

بنابراین می توان گفت درون مرز های سیاسی یک کشور مثل ایران کمتر اتفاق می افتد که یکی جامعه زبانی منفرد وجود داشته باشد یعنی این که همه مردم ان به یک زبان مادری واحد سخن بگویند. مردم درون مرز های یک کشور مخصوص کشوری مثل ایران که از وسعت ارضی و تنوع اقلیمی و قومی زیاد برخوردار است از نظر زبان هم جامعه های زبانی مختلفی را در بر می گیرد. هر جامعه زبانی در منطقه محدود و معینی از جغرافیای یک کشور محصور است و درون مرز های هر منطقه زبان محلی خاصی رایج می باشد..

مهمترین معیار برای تشخیص گویش های یک کشور از هم عدم تفاهم متقابل است.

اصطلاح لهجه برای تمایز قائل شدن به گونه های یک زبان بکار می رود. وقتی که بین دو گونه زبانی تنها تفاوت تلفظی مشاهده شود انها را لهجه یک زبان محسوب می کنیم مانند لهجه کرمانی اصفهانی و.... گویندگان لهجه های مختلف یک زبان همیشه گفتار یکدیگر را می فهمند یعنی تفاهم متقابل بین آنان برقرار است

زبان مشترک یا زبان رسمی

هنگامی که اعضای جند جامعه زبانی در قلمرو یک کشور با مرز های سیاسی یک کشور زندگی میکنند برای نیاز های ارتباط عمومی خود می بایست یکی از زبان های موجود را به عنوان زبان میانجی یا مشترک انتخاب نمایند. از دیدگاه جامعه شناسی زبان سخنگویان گویش های مختلف بطور طبیعی و ناخود آگاه به این امر گرایش می یابند که یکی از گویش های موجود کشور را که وسعت کاربردی بیشتری دارد به عنوان زبان مشترک و زان ملی انتخاب کرده در ارتباط با افراد جامعه زبانی دیگر بکار گیرند.

دو زبانی

دو زبانی عبارت است از موقعیتی که در ان شخص برای برقراری ارتباط با دیگران به طور متناوب از دو یا چند زبان استفاده میکند. چنین حالتی را دوزبانی و چنین کسی را دو زبانه می نامند

دو زبانی با توجه به معیار های زیر تقسیمات گوناگون دارند:

۱- نوع یادگیری ۲- نقش اجتماعی زبان ۳- گونه های زبانی

عوامل موثر در یادگیری و آموزش زبان دوم:

۱- سن زبان آموز

۲- ویژگی ها شناختی زبان آموز

۳- عوامل اجتماعی-فرهنگی محیط زندگی زان آموز

۴- ویژگی های زبان مادری زبان آموز

سن زبان آموز

الف) کودکان و نوجوانان (ب) بزرگسالان-هرچقدر سن زبان آموز کمتر باشد فراگیری زبان دوم اسنتر صورت می گیرد.

ویژگی های روانشناختی دانش آموز:

استعداد: توانایی یادگیری زبان سه زبان اول چه زبان دوم در انسان ذاتی است و از این نظر تفاوت قابل ملاحظه ای بین افراد مختلف دیده نمی شود

نگرش: نگرش افراد به موضوعات مختلف را می توان بر حسب مولفه های زیر تقسیم بندی کرد

۱- عقاید شخصی درباره زبان دوم و یادگیری آن که مولفه ای شناختی است

۲- میزان احساسات مثبت و منفی شخص نسبت به زبان دوم که مولفه ای عاطفی است

۳- مقاصد رفتاری یا رفتار واقعی شخص نسبت به زبان دوم و یادگیری آن که مولفه ای کرداری است

انگیزه: انگیزه ها با توجه به نیاز ها به دو دسته تقسیم می شوند:

۱- انگیزه های زیستی که مربوط به خوراک پوشاک و غیره می شوند و بیشتر ذاتی است

۲- انگیزه های روانشناختی که بر پایه نیازهای عالی تری مثل هویت تایید پیشرفت و جستجوگری و... شکل می گیرند و عمدتاً اکتسابی هستند و تحت تأثیر یادگیری و عوامل محیطی دارند

رابطه میان نگرش و انگیزش: اکنون ثابت شده است که نگرش مستقیماً با انگیزه رابطه دارد و انگیزه نیز با یادگیری زبان دوم در ارتباط است

نگرش « انگیزش » زبان دوم

به عبارت دیگر نگرش را باید به منزله تکیه گاهی برای انگیزش در نظر گرفت نه به عنوان عاملی که تاثیر مستقیمی در یادگیری زبان دوم دارد.

شخصیت: برون گرایی و سازگاری از ویژگی های سازنده شخصیت انسان هستند

برونگرا: به دانش آموز خوش برخورد نترس حراف و مردم دوش می گویند

درون‌گرا: به دانش آموز کم حرف کم رو آرام و گوشه گیر می گویند

سازگاری: یعنی توانایی قرار دادن خود به جای دیگری

عوامل اجتماعی - فرهنگی دانش آموز

شباهت ها و تفاوت های فرهنگی در جامعه زبانی و ویژگیهای قومی محیط زندگی دانش آموز از جمله عوامل فرهنگی اجتماعی هستند که در یادگیری زبان دوم موثر می باشند

زبان مادری دانش آموز

الف) بازدارندگی: گروهی معتقدند زبان مادری و عناصر و قواعد آن مانعی اساسی بر سر راه یادگیری زبان دوم است کسانی که با آثار منفی و بازدارنده زبان مادری اشاره کرده اند معتقدند نفوذ عمیق زبان مادری در ذهن انسان موجب میشود که یادگیری زبان دوم هرگز به حد مطلوب نرسد

ب) تداخل: تداخل به معنی تاثیر مداوم خصوصیات زبان مادری یادگیرنده در کاربرد زبان دوم است مانند ویژگی هماهنگی مصوت ها در گویش ترکی آذری وجود دارد و طبق آن مصوبه هجای دوم با هجای اول هماهنگ می شود مثلاً سخنگویان ترکی آذری کلماتی مانند « شلوار » و « سواد » را « شالوار » و « ساواد » تلفظ می کنند

ج) خطاهای زبانی: هرگونه انحراف از هنجارهای زبان دوم را خطای خطاهای زبانی می گویند خطاهای زبانی به دو دسته تقسیم می شوند: ۱- خطاهای توانش ۲- خطاهای کنش

شرایط مطلوب دوزبانه شدن:

شرایط زبان آموزی را از لحاظ ماهیت می توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- استعدادهای فطری ۲- توانایی های اکتسابی

استعداد های فکری به توانایی های ذهنی انسان گفته می شود که به طور کلی امکان یادگیری زبان را به ما می دهد اما توانایی های اکتسابی زبان شبکه ای از توانایی ها و مهارت هایی است که زبان آموز در طول زبان و به کمک توانایی های فکری کسب میکند

تقسیم بندی توانایی های اکتسابی:

۱- توانایی های آوایی

۲- توانایی های واژگانی

۳- توانایی های دستوری

۴- توانایی های سبکی

۵- شمع زبانی

۶- تفکر به زبان دوم

۱- توانایی های آوایی: توانایی های آوایی تسلط بر نظام آوایی زبان دوم را میسر می سازد

الف) حساسیت شنوایی ب) حساسیت تلفظی ج) مهارت در تولید و ادراک

۲- توانایی های واژگانی: یاری می دهد تا به روابط واژگانی زبان دوم تسلط یابد

الف) ذخیره مناسب واژگان ب) توان تشخیص و در چه سریع واژگان ج) توان فهم سریع معانی

۳- توانایی های دستوری:

الف) توان تمایز بین اقسام گوناگون کلمه

ب) تولید جمله های مختلف

ج) تشخیص صحیح انواع جمله از لحاظ وجه زمان و...

۴- توانایی های سبکی: به وسیله این توانایی می توان سبک های مختلف رسمی دوستانه مودبانه و غیره را تشخیص داد

۵- ششم زبانی: یادگیری زبان به این توانایی ها محدود نمی شود بلکه زبان آموز باید بتواند از این توانایی ها به طور ناخودآگاه استفاده کنند که این توانایی ششم زبانی می گویم

به طور کلی آموزش در روشهای مستقیم بر سه اصل استوار است:

۱. آموزش بدون دخالت زبان مادری

۲. تقلید از معلم و تکرار مطالب وی

۳. استفاده از شمرزبانی

***ویژگی اصلی روشهای مستقیم عبارتند از:**

۱. کاربرد واژگان و ساختهای زبان روز مره

۲. آموزش دستور زبان در موقعیت و صحنه و با ارائه نمودارهای دیداری به شفاهی

۳. گوش دادن و تقلید زیاد تا جایی که صورت زبان ملکه ذهن زبان آموزی شود

۴. ارائه بیشتر آموزشها در کلاس) در این روش ب ساعتهای درسی بیشتری نیاز است)

۵. عرضه کردن تمام مطالب درسی بطور شفاهی در ابتدای آموزش

۶. اختصاص دادن چند هفته اول به تلفظ واژگان و رعایت آهنگ جملات

*مهم ترین روش های مستقیم عبارتند از:

۱. روش بهگزینی
۲. روش فعال
۳. روش اصلاحی
۴. روش سمعی_ شفاهی
۵. سمعی_ بصری
۶. روش طبیعی
۷. روش روانشناختی
۸. روش کنترل مواد زبانی
۹. روش شباهتهای زبانی

***روش بهگزینی** : این روش ترکیبی بود از کاربرد مطالعات آواشناسی ، استفاده از شم زبانی ، روشهای استقرایی و آموزش متون با شیوه نظام مند مبتنی بر دستور زبان سنتی.

***روش فعال** : در این روش به پرورش شم زبانی زبان آموز تکیه زیادی میشد و کاربرد تصاویر دیواری(لوحة ها) رواج داشت

***روش اصلاحی** : این روش که به روش مبتنی بر اصول آواشناسی نیز مشهور است نخست به ترتیب قوه و بعد به ترتیب به تلفظ آوا ، کلمه ها، عبارات و جمله های زبان دوم میپردازد.

***روش سمعی_ شفاهی** : هدف اصلی این روش برقراری ارتباط شفاهی است این روش بیشتر به گفتن و شنیدن متکی است و آموزش خواندن و نوشتن را قبل از ایجاد عادات گفتاری امری بی فایده میدانند

***روش سمعی_ بصری** : این روش اصولاً روش آموزش گفتگویی و برنامه ریزی شده زبان است اساس یادگیری زبان در این روش نیز مانند دیگر روشهای مستقیم صورت شفاهی زبان است که از طریق گوش دادن و دیدن و درصحنه بودن و حرف زدن تحقق می یابد

اختلالات یادگیری مهارت‌های زبان فارسی در دانش آموزان دبستانی

اختلال زبانی در واقع به هر نوع نارسایی در بیان و ادراک شفاهی و مکتوب کلمه‌ها جمله‌ها و پیام‌های زبانی اطلاق میشود. این اختلال مانند هر اختلال دیگه ای مانع شکوفایی و رشد و بالندگی استعداد های طبیعی دانش آموز میشود همچنین باعث انزوای اجتماعی دانش آموز شده

۱-۸ اختلالات گفتاری دانش آموزان

به نابسامانیهایی که دانش آموزان در بیان شفاهی پیام های زبانی دارند را گفته میشود. که به چهار دسته تقسیم میشوند:

۱ اختلالات تولیدی: به اختلالی که در تولید آواهای زبانی بوجود می آیند. که سبب نامفهوم شدن واژه ها و جمله ها میشود. اختلال تولیدی در زبان گفتاری ثانش آموز رادر هنگام خواندن و املا نویسی با مشکلات جدی روبرو میکند که این دانش آموزان ممکن است با مسایل زیر روبرو شوند:

الف-آوای مربوط را طوری تلفظ کند که به هیچ یک از آواهای زبانی فارسی شباهتی نداشته باشد

ب-آوای مربوط را طوری تلفظ کند که آوای دیگری از زبان فارسی تولید شود

ج-یکی از آواهای کلمه را از آغاز یا وسط یا پایان حذف کند

۲. اختلال روانی گفتاری یا گفتار سلیس: گفتار سلیس گفتاری است که ریتم و سرعت و آهنگ آن روان و طبیعی باشد هر نوع اختلال در این سه ویژگی باعث پدید آمدن اختلالات روانی گفتار خواهد شد که دو دسته اند

الف-تندگویان: در این حالت دانش آموز آن قدر تند حرف میزند که گفتارش حاوی کلمات اضافی است و معمولاً با مقادیر زیادی حذف عناصر به ویژه در عناصر پایانی کلمات همراه است.

ب-لکنت زبان: این اختلال پس از اختلال تولیدی شایع ترین نوع اختلالات زبانی شفاهی است که به چهار صورت حادث میشود: تکرار-گیر و کشیده گویی آواها و هجاها

لکنت زبانی درمیان دانش آموزان پسر بیشتر از دختران است که نقطه شروع آن بیشتر بین پنج تا هفت سالگی است بنابراین آموزگاران کلاسهای اول و دوم ابتدایی ممکن است بیشتر با این پدیده روبرو شوند.

تکرار. در این نوع لکنت زبانی دانش آموز هنگام سخن گفتن آوا یا هجای آغازین کلمه را چننین بار تکرار میکند.

مکث. در این نوع لکنت زبانی دانش آموز آوا یا هجا یا کلمه را میگوید سپس بطور غیر طبیعی مکث میکند .

گیر. در این نوع لکنت زبانی دانش آموز بر روی آوا یا هجای خاصی از کلمه گیر میکند و نمی تواند آن را با سرعت طبیعی ادا کند گاه ممکن است ادای یک صامت چند ثانیه طول بکشد.

کشیده گویی آواها و هجاها. در این نوع لکنت زبان دانش آموز آوا یا هجا را بیش از حد معمول و طبیعی می کشد به همین علت سرعت سخن گفتن او خیلی کم میشود.

۳. **اختلالات صوتی:** ماده اولیه آواهای زبان صوت است که حاصل خروج هوای بازدمی از ششها و فعل و انفعالات درون اندامهای گفتار می باشد گفتار انسان از لحاظ صوت شناسی دارای چند ویژگی است:

شدت که موجب بلندی یا کوتاهی صدا میشود

طنین که موجب زیر یا بم بودن صدا میشود

سرعت که موجب تندگویی گفتار طبیعی یا کندگویی میشود

دامنه صوت که موجب تنوع یا یکنواختی گفتار میشود

کیفیت که موجب خوشایند بودن یا بد آهنگی صدا میشود

اختلال در این ویژگی موجب اختلال صوتی میشود^۲ شسضطیز

۴. **اختلال تاخیر در یادگیری گفتار:** اگر کودک نتواند مراحل طبیعی سخن گفتن را طی کند و از همسالان خود در فراگیری زبان گفتاری عقب بماند دچار تاخیر در گفتار شده است

۲-۸ اختلالات شنیداری دانش آموزان

تسلط بر مهارت گوش دادن عبارت است از توانایی درک پیامهای گفتاری دیگران. کودکانی که دچار اختلال شنیداری هستند معمولاً آنچه گفته میشود می شنوند اما توانایی درک آن را ندارند

۱. **عدم توانایی در توجه کافی به سخنان گوینده:** انسان تا اندازه زیادی جهت دار و انتخابی است از میان محرکهای فراوانی که به ما می رسند تنها به تعداد کمی از آنها به ویژه آنهایی که قوی هستند پاسخ می دهیم از میان تعداد بسیار زیادی حرکات ممکن تنها حرکتی را انتخاب می کنیم که ما را در راه رسیدن به هدف بلاواسطه یا اجرای عمل لازم یاری میدهد از میان تعداد بسیار زیاد آثار یا ارتباطاتشان که در حافظه مان ذخیره شده است فقط تعداد اندکی را برمی گزینیم که به تکالیف یا فاصله ما مربوط میشود و ما را قادر می سازد که عملیات ذهنی لازم را انجام دهیم.

توجه: در روانشناسی معمولاً به جهت دار بودن و انتخابی بودن فرایند های ذهنی که بر مبنای آن فعالیت های ذهنی سازمان می یابند، توجه بر دو قسم است:

الف- عکس العمل ابتدایی مانند برگرداندن سر به طرف صدا معطوف کردن نگاه به محرک

ب- توجه ارادی

۲. **عدم توانایی در درک و تمیز آواهای زبان:** برخی دانش آموزان در تشخیص صامتها و مصوتها و ایجاد تمایز بین آنها دچار مشکلاتی هستند دانش آموزانی که نتواند بین آواهای زبان تمایز قایل شود چه بسا به درک پیام جمله هم نایل نشود طبعاً چنین دانش آموزی در خواندن به خصوص درس املا که متن آن به صورت شفاهی ارایه می شود دچار مشکل گردد.

۳. **عدم توانایی در درک واژه های زبان:** برخی دانش آموزان قادر نیستند به خوبی واژه های شنیده شده را درک نمایند همچنین معمولاً افراد در درک واژه هایی که در مورد آن تجربه قبلی ندارند با مشکل روبرو میشوند

که علاوه بر ایجاد مشکل در خواندن و املا دانش آموزان را در درسهای جمله نویسی انشا و درسهای غیر زبانی هم به ویژه درس علوم تجربی و ریاضی با مشکلات عدیده آموزشی روبه رو می کند

۴. **عدم توانایی در درک جمله یا جمله های زبان:** دانش آموزانی که درک صحیحی از قواعد سازنده جمله و انواع جمله های زبان فارسی ندارند هنگام شنیدن سحنان معلم یا هر گوینده دیگر نمی توانند به خوبی معنای زبانی جمله را درک کنند یکی از دلایل این اختلال این است که آنان کلمه های زبان را به طور مجزا و خارج از بافت جمله ها آموخته اند ولی از ترکیب کردن و استخراج معنای کلی آنها در جمله ناتوان هستند.

۵. **عدم توانایی در انجام کنش زبانی یا کنش غیر زبانی مناسب:** توانایی انجام کنش مناسب هنگام شنیدن سخن معلم یا گوینده دیگر نتیجه نهایی ارتباط شفاهی است که دانش آموزان در برقراری نهایی ارتباط شفاهی ناتوان بمانند و نتوانند مطابق با آنچه می شنوند کنشهای مناسب کلامی حرکتی یا ذهنی نشان دهند.

۶. **عدم توانایی شنونده در درک معنای فرازبانی یا منظور سخنگو:** برخی از افراد از درک معنای فرازبانی که منبعث از تجربیات فرهنگی-اجتماعی است ناتوان هستند از آنجا که در اکثر موارد همه ما از جمله معلمان از عناصر زبان استفاده های فرازبانی می کنیم توجه به این نوع مشکل و تحقیقات لازم درباره آن کاملاً ضروری به نظر میرسد.

۳-۸ اختلالات خواندن در دانش آموزان

این مشکلات در واقع ساده ترین نشانه ای است که به کمک آن می توان شکست کودک را در بسیاری از زمینه های تحصیلی پیش بینی کرد .

بنظر پزشکان الگو های رفتاری دیسلکسی در کودک از برخی نقایص در مغز ناشی می شود. از سوی دیگر بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت بر این باورند که مشکلات خواندن از عوامل دیگری ناشی می شود که از مهم ترین آن ها آموزش ضعیف و نامناسب است.

این دانش آموزان ممکن است در کدخوانی درک مطلب یا هر دو جنبه خواندن دچار ضعف باشند

مشکلات کدخوانی

الف) عدم تشخیص دیداری زبانی

علائم: ۱ حروف مشابهی مثل (ب پ) را با یکدیگر اشتباه میکنند ۲ از تشخیص دیداری کلمه ها عاجزند
راه چاره: دانش آموزان باید تفاوت هایی را که سبب تفکیک حروف میشود بیاموزند البته برخی از جنبه های حروف الزاماً ویژگیهای تمایز دهنده نیستند مانند اندازه حروف

ب) اختلال در ترکیب عناصر زبانی

علائم: برخی از دانش آموزان قادر نیستند از ترکیب آواها کلمه بسازند
عوامل بروز علائم: روش رویکرد تحلیلی (حرف محور و آوا محور)، روش تدریس منتخب در کلاس باشد
راه چاره: ارائه فعالیتهایی از قبیل تاکید بر ترکیب هجاها و استفاده از کلمه در بافت معنی دار توجه شود

ج) اختلال در یادآوری باز یافت نشانه های نوشتاری

علائم: یادآوری صدای مربوط به یک نشانه حرفی مثل ز واز باز یافت طرز تلفظ شکل کلی کلمه هم عاجز بماند

د) ناتوانی در رعایت توالی صحیح نشانه های نوشتاری

علائم: در هنگام خواندن عناصر سازنده کلمات را جابه جا تلفظ میکنند

عوامل بروز علائم: ناتوانی یادگیری خواندن که مربوط به حافظه توالی دیداری میباشد مانند عکس >عسک

ه) حذف یکی از عناصر زبانی

منشا اختلال: اختلافهای توالی شنیداری

۱- حذف صامت یا هجای آغازین: کاغذ > آغذ

۲- حذف صامت میانی کلمه: زمین > زین

۳- حذف صامت پایانی کلمه: شلوار > شلوار

۴- تبدیل مصوت ها: بشیر > بشر

۵- حذف دائم برخی صداها مثل صامت (س یا ز) در بیشتر کلمات

و) عدم رعایت ترتیب عناصر زبانی

لائم: عدم ترتیب عناصر سازنده کلمات و عناصر بزرگتر از کلمه

۱- جابه جایی هجاهای سازنده کلمه: لیوان > والدین

۲- جابه جایی عناصر کلمه های مجاور: پنیروانگور > انیروپنگور

ز) معکوس سازی عناصر زبانی

علائم: ۱) معکوس کردن حروف: نهار > بهار

۲) معکوس کردن کلمه: موش > شوم

ح) ضعف در تحلیل ساخت واژه ها

علائم: بازشناسی کند در خواندن (۱) خواندن کلمه باخدا و گمان ۲) کندخوانی ۳) جانشین کردن کلمه دیگر به جای کلمه

اصلی ۴) گم کردن سطری که در حال خواندن آن است)

» مشکلات ادراک خواندن «

۱- عدم درک معنی واژه ها

علائم: ۱) عدم درک معنی کلمه و پیام جمله و محتوای متن ۲) عدم به کارگیری معنای درست کلمه در جمله چون برخی

کلمات زبان فارسی بیش از یک معنی دارند

۲- عدم درک معنی زبانی جمله و متن

علائم: عدم درک پیام اصلی جمله و متن از لابه لای مفاهیم موجود در متن

علل: ۱) توجه بیش از حد به جزئیات و مسائل غیر ضروری ۲) سازماندهی نامناسب پاراگرافها

۳- عدم درک معنی فرا زبانی جمله و متن

عوامل بروز علایم:

الف) ضعف شناختی

علایم: در نتیجه گیری از متن خوانده شده، مقایسه نظرات نویسنده با حقایق موجود ارزشیابی اطلاعات داده شده و ترکیب

دانش جدید با دانسته های قبلی خود با مشکل مواجه میشود

ب) ضعف در خواندن انتقادی

مهارت‌های خواندن انتقادی: ۱) قضاوت درباره ضعف مطالب ۲) نتیجه گیری ۳) تشخیص بین حقیقت و تصور ۴) ارزشیابی نظر‌ها و باورهای نویسنده

« اختلالات نوشتاری دانش آموزان »

علائم:

الف) مشکلات نوشتن غیر فعال (دست نویسی یا رونویسی)

ب) مشکلات نوشتن نیمه فعال (املا)

ج) مشکلات نوشتن فعال (انشا)

مشکلات نوشتن غیر فعال (دست نویسی یا رونویسی)

الف) مشکلات آمادگی برای نوشتن

راه چاره: ۱) باید سعی نماید مداد را درست در دست بگیرد- ۲) رابطه جهت‌ها را درک کند- ۳) هنگام نوشتن نحوه قرار دادن کاغذ را تنظیم نماید

ب) مشکلات نوشتن صحیح حروف الفبا (حرف نویسی)

علائم: حروف را بیش از حد بزرگ یا کوچک‌مینویسند و یا خطوط مستقیم (عمودی یا افقی) را به حالت قوس دار مینویسند یا بالعکس

ج) مشکلات نسخه برداری صحیح از کلمات (رونویسی)

علائم: ۱) هنگام رونویسی، حروف سازنده کلمه را با فاصله‌های زیاد بنویسند یا بالعکس ۲) در نوشتن حروف پیوسته با مشکل مواجه میشوند ۳) نمیتوانند پس از نوشتن یک حرف بلافاصله به نوشتن حروف دیگر بپردازند

« مشکلات نوشتن نیمه فعال (املا) »

علائم: ناتوانی در پیوند دادن آوازهای زبانی (صامت‌ها و مصوت‌ها)

با حروف الفبا

عوامل بروز علائم: ضعف در عملکرد شنیداری، دیداری، حرکتی

۱- ضعف در عملکرد شنیداری: به دو صورت بروز میکند

الف) ضعف در تشخیص شنیداری: برخی دانش آموزان در هنگام نوشتن املا یک یا چند حرف را از کلمه حذف میکنند و بالعکس

ب) ضعف در به کار گیری تصمیم‌های رابطه آواها با حروف (صوت و املا): آنچه را که می شنونده صورت تحت اللفظی می نویسند مانند صابون > صابون

۲- ضعف در عملکرد حافظه دیداری

علائم: نمیتوانند صورت صحیح حروف الفبا یا شکل کلمه‌ها را که از توالی حروف ساخته میشوند در حافظه دیداری خود ثبت کنند و به یاد آورند مثل کتاب > تکاب

۳- ضعف در حافظه حرکتی

علائم: عدم توانایی به خاطر آوردن حرکات لازم دست برای نوشتن «مشکلات نوشتن فعال(انشا)»

۱-ضعف در جهان شناسی و شناخت جامعه

۲-ضعف در سازماندهی افکار خویش

۳-ضعف در تبدیل افکار خود به زبان مکتوب

« ضعف در جهان شناسی و شناخت جامعه »

راه چاره: ۱ به کارگیری روش آموزش تجربه زبانی ۲ترتیب دادن گردشهای علمی و نمایش فیلم

« ضعف در سازماندهی افکار خویش »

علائم: جمله ها و پاراگرافهای موجود در انشا آنان درهم و مغشوش به نظر میرسد

راه چاره: تمرینات انفرادی ویژه

ضعف در تبدیل افکار خود به زبان مکتوب

عوامل بروز علائم: ۱ واژگان ناکافی ۲ خطاهای دستوری ۳ خطاهای ویرایشی

(واژگان ناکافی)

راه چاره: مطالعات غیر درسی

(خطاهای دستوری)

علائم: هنگام نگارش انشا جمله های ناقص یا جمله های حاوی افعال نامناسب به کار میبرند.

(خطاهای ویرایشی)

علائم: عدم رعایت مسائلی همچون نقطه گذاری صحیح [علامت پرسشی و...] و رسم الخط صحیح

ضمن عرض سلام و خسته نباشید و تقدیر و تشکر از زحمات دانشجویان عزیز، فعالیتتان مورد قبول بود.

نمره فعالیت : ۱۰ از ۱۰



تهیه کنندگان: متین عیسی زاده-محمد رضا حبیبی-حمیدرضا ایرجی-احمد رحیم زاده

فصل ۸

اختلالات یادگیری مهارت‌های زبان فارسی در دانش آموزان دبستانی

اختلال زبانی در واقع به هرنوع نارسایی در بیان و ادراک شفاهی و مکتوب کلمه ها جمله ها و پیامهای زبانی اطلاق میشود. این اختلال مانند هر اختلال دیگه ای مانع شکوفایی و رشد وبالندگی استعداد های طبیعی دانش آموز میشود همچنین باعث انزوای اجتماعی دانش آموز شده

۱-۸ اختلالات گفتاری دانش آموزان

به نابسامانیهایی که دانش آموزان در بیان شفاهی پیام های زبانی دارند را گفته میشود. که به چهار دسته تقسیم میشوند:

۱ اختلالات تولیدی: به اختلالی که در تولید آواهای زبانی بوجود می آیند. که سبب نامفهوم شدن واژه ها و جمله ها میشود. اختلال تولیدی در زبان گفتاری ثانش آموز رادر هنگام خواندن و املا نویسی با مشکلات جدی روبرو میکند که این دانش آموزان ممکن است با مسایل زیر روبرو شوند:

الف-آوای مربوط را طوری تلفظ کند که به هیچ یک از آواهای زبانی فارسی شباهتی نداشته باشد

ب-آوای مربوط را طوری تلفظ کند که آوای دیگری از زبان فارسی تولید شود

ج-یکی از آواهای کلمه را از آغاز یا وسط یا پایان حذف کند

۲. اختلال روانی گفتاری یا گفتار سلیس: گفتار سلیس گفتاری است که ریتم و سرعت و اهنگ آن روان و طبیعی باشد هرنوع اختلال در این سه ویژگی باعث پدید آمدن اختلالات روانی گفتار خواهد شد که دو دسته اند

الف-تندگویان: در این حالت دانش آموز آن قدر تند حرف میزند که گفتارش حاوی کلمات اضافی است و معمولاً با مقادیر زیادی حذف عناصر به ویژه در عناصر پایانی کلمات همراه است.

ب-لکنت زبان: این اختلال پس از اختلال تولیدی شایع ترین نوع اختلالات زبانی شفاهی است که به چهار صورت حادث میشود: تکرار- گیر و کشیده گویی آواها و هجاها

لکنت زبانی درمیان دانش آموزان پسر بیشتر از دختران است که نقطه شروع ان بیشتر بین پنج تا هفت سالگی است بنابراین آموزگاران کلاسهای اول و دوم ابتدایی ممکن است بیشتر با این پدیده روبرو شوند.

تکرار. در این نوع لکنت زبانی دانش آموز هنگام سخن گفتن آوا یا هجای آغازین کلمه را چنئین بار تکرار میکند.

مکث. در این نوع لکنت زبانی دانش آموز آوا یا هجا یا کلمه را میگوید سپس بطور غیر طبیعی مکث میکند .

گیر. در این نوع لکنت زبانی دانش آموز بر روی آوا یا هجای خاصی از کلمه گیر میکند و نمی تواند آن را با سرعت طبیعی ادا کند گاه ممکن است ادای یک صامت چند ثانیه طول بکشد.

کشیده گویی آواها و هجاها. در این نوع لکنت زبان دانش آموز آوا یا هجا را بیش از حد معمول و طبیعی می کشد به همین علت سرعت سخن گفتن او خیلی کم میشود.

۳. **اختلالات صوتی:** ماده اولیه آواهای زبان صوت است که حاصل خروج هوای بازدمی از ششها و فعل و انفعالات درون اندامهای گفتار می باشد گفتار انسان از لحاظ صوت شناسی دارای چند ویژگی است:

شدت که موجب بلندی یا کوتاهی صدا میشود

طنین که موجب زیر یا بم بودن صدا میشود

سرعت که موجب تندگویی گفتار طبیعی یا کندگویی میشود

دامنه صوت که موجب تنوع یا یکنواختی گفتار میشود

کیفیت که موجب خوشایند بودن یا بد آهنگی صدا میشود

اختلال در این ویژگی موجب اختلال صوتی میشود^۲ شسضطیز

۴. **اختلال تاخیر در یادگیری گفتار:** اگر کودک نتواند مراحل طبیعی سخن گفتن را طی کند و از همسالان خود در فراگیری زبان گفتاری عقب بماند دچار تاخیر در گفتار شده است

۲-۸ اختلالات شنیداری دانش آموزان

تسلط بر مهارت گوش دادن عبارت است از توانایی درک پیامهای گفتاری دیگران. کودکانی که دچار اختلال شنیداری هستند معمولاً آنچه گفته میشود می شنوند اما توانایی درک آن را ندارند

۱. **عدم توانایی در توجه کافی به سخنان گوینده:** انسان تا اندازه زیادی جهت دار و انتخابی است از میان محرکهای فراوانی که به ما می رسند تنها به تعداد کمی از آنها به ویژه آنهایی که قوی هستند پاسخ می دهیم از میان تعداد بسیار زیادی حرکات ممکن تنها حرکتی را انتخاب می کنیم که مارا در راه رسیدن به هدف بلاواسطه یا اجرای عمل لازم یاری میدهد از میان تعداد بسیار زیاد آثار یا ارتباطاتشان که در حافظه مان ذخیره شده است فقط تعداد اندکی را برمی گزینیم که به تکالیف یا فاصله ما مربوط میشود و مارا قادر می سازد که عملیات ذهنی لازم را انجام دهیم.

توجه: در روانشناسی معمولاً به جهت دار بودن و انتخابی بودن فرایند های ذهنی که بر مبنای آن فعالیت های ذهنی سازمان می یابند، توجه بر دو قسم است:

الف- عکس العمل ابتدایی مانند برگرداندن سر به طرف صدا معطوف کردن نگاه به محرک

ب- توجه ارادی

۲. **عدم توانایی در درک و تمیز آواهای زبان:** برخی دانش آموزان در تشخیص صامتها و مصوتها و ایجاد تمایز بین آنها دچار مشکلاتی هستند دانش آموزانی که نتواند بین آواهای زبان تمایز قایل شود چه بسا به درک پیام جمله هم نایل نشود طبعاً چنین دانش آموزی در خواندن به خصوص درس املا که متن آن به صورت شفاهی ارایه می شود دچار مشکل گردد.

۳. **عدم توانایی در درک واژه های زبان:** برخی دانش آموزان قادر نیستند به خوبی واژه های شنیده شده را درک نمایند همچنین معمولاً افراد در درک واژه هایی که در مورد آن تجربه قبلی ندارند با مشکل روبرو میشوند

که علاوه بر ایجاد مشکل در خواندن و املا دانش آموزان را در درسهای جمله نویسی انشا و درسهای غیر زبانی هم به ویژه درس علوم تجربی و ریاضی با مشکلات عدیده آموزشی روبه رو می کند

۴. **عدم توانایی در درک جمله یا جمله های زبان:** دانش آموزانی که درک صحیحی از قواعد سازنده جمله و انواع جمله های زبان فارسی ندارند هنگام شنیدن سحنان معلم یا هر گوینده دیگر نمی توانند به خوبی معنای زبانی جمله را درک کنند یکی از دلایل این اختلال این است که آنان کلمه های زبان را به طور مجزا و خارج از بافت جمله ها آموخته اند ولی از ترکیب کردن و استخراج معنای کلی آنها در جمله ناتوان هستند.

۵. **عدم توانایی در انجام کنش زبانی یا کنش غیر زبانی مناسب:** توانایی انجام کنش مناسب هنگام شنیدن سخن معلم یا گوینده دیگر نتیجه نهایی ارتباط شفاهی است که دانش آموزان در برقراری نهایی ارتباط شفاهی ناتوان بمانند و نتوانند مطابق با آنچه می شنوند کنشهای مناسب کلامی حرکتی یا ذهنی نشان دهند.

۶. **عدم توانایی شنونده در درک معنای فرازبانی یا منظور سخنگو:** برخی از افراد از درک معنای فرازبانی که منبعث از تجربیات فرهنگی-اجتماعی است ناتوان هستند از آنجا که در اکثر موارد همه ما از جمله معلمان از عناصر زبان استفاده های فرازبانی می کنیم توجه به این نوع مشکل و تحقیقات لازم درباره آن کاملاً ضروری به نظر میرسد.

۳-۸ اختلالات خواندن در دانش آموزان

این مشکلات در واقع ساده ترین نشانه ای است که به کمک آن می توان شکست کودک را در بسیاری از زمینه های تحصیلی پیش بینی کرد .

بنظر پزشکان الگو های رفتاری دیسلکسی در کودک از برخی نقایص در مغز ناشی می شود. از سوی دیگر بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت بر این باورند که مشکلات خواندن از عوامل دیگری ناشی می شود که از مهم ترین آن ها آموزش ضعیف و نامناسب است.

این دانش آموزان ممکن است در کدخوانی درک مطلب یا هر دو جنبه خواندن دچار ضعف باشند

مشکلات کدخوانی

الف) عدم تشخیص دیداری زبانی

علائم: ۱-حروف مشابهی مثل (ب پ) را بایکدیگر اشتباه میکنند ۲-از تشخیص دیداری کلمه ها عاجزند
راه چاره: دانش آموزان باید تفاوت هایی را که سبب تفکیک حروف میشود بیاموزند البته برخی از جنبه های حروف الزاماً ویژگیهای تمایز دهنده نیستند مانند اندازه حروف

ب) اختلال در ترکیب عناصر زبانی

علائم: برخی از دانش آموزان قادر نیستند از ترکیب آواها کلمه بسازند
عوامل بروز علائم: روش رویکرد تحلیلی (حرف محور و آوا محور)، روش تدریس منتخب در کلاس باشد
راه چاره: ارائه فعالیتهایی از قبیل تاکید بر ترکیب هجاها و استفاده از کلمه در بافت معنی دار توجه شود

ج) اختلال در یادآوری بازیافت نشانه های نوشتاری

علائم: یادآوری صدای مربوط به یک نشانه حرفی مثل ز واز بازیافت طرز تلفظ شکل کلی کلمه هم عاجز بماند

د) ناتوانی در رعایت توالی صحیح نشانه های نوشتاری

علائم: در هنگام خواندن عناصر سازنده کلمات را جابه جا تلفظ میکنند

عوامل بروز علائم: ناتوانی یادگیری خواندن که مربوط به حافظه توالی دیداری میباشد مانند عکس >عسک

ه) حذف یکی از عناصر زبانی

منشا اختلال: اختلافهای توالی شنیداری

۱- حذف صامت یا هجای آغازین: کاغذ > آغذ

۲- حذف صامت میانی کلمه: زمین > زین

۳- حذف صامت پایانی کلمه: شلوار > شلوار

۴- تبدیل مصوت ها: بشیر > بشر

۵- حذف دائم برخی صداها مثل صامت (س یا ز) در بیشتر کلمات

و) عدم رعایت ترتیب عناصر

زبانی

لائم: عدم ترتیب عناصر سازنده کلمات و عناصر بزرگتر از کلمه

۱- جابه جایی هجاهای سازنده کلمه: لیوان > والدین

۲- جابه جایی عناصر کلمه های مجاور: پنیروانگور > انیروپنگور

ز) معکوس سازی عناصر زبانی

علائم: ۱ معکوس کردن حروف: نه‌ار > بهار

۲ معکوس کردن کلمه: موش > شوم

ح) ضعف در تحلیل ساخت واژه ها

علائم: بازشناسی کند در خواندن (۱ خواندن کلمه باخدا و گمان ۲ کندخوانی ۳ جانشین کردن کلمه دیگر به جای کلمه

اصلی ۴ گم کردن سطری که در حال خواندن آن است)

» مشکلات ادراک خواندن «

۱- عدم درک معنی واژه ها

علائم: ۱ عدم درک معنی کلمه و پیام جمله و محتوای متن ۲ عدم به کارگیری معنای درست کلمه در جمله چون برخی

کلمات زبان فارسی بیش از یک معنی دارند

۲- عدم درک معنی زبانی جمله و متن

علائم: عدم درک پیام اصلی جمله و متن از لابه لای مفاهیم موجود در متن

علل: ۱ توجه بیش از حد به جزئیات و مسائل غیر ضروری ۲ سازماندهی نامناسب پاراگرافها

۳- عدم درک معنی فرا زبانی جمله و متن

عوامل بروز علائم:

الف) ضعف شناختی

علائم: در نتیجه گیری از متن خوانده شده، مقایسه نظرات نویسندگان با حقایق موجود ارزشیابی اطلاعات داده شده و ترکیب

دانش جدید با دانسته های قبلی خود با مشکل مواجه میشود

(ب) ضعف در خواندن انتقادی

مهارتهای خواندن انتقادی: ۱- قضاوت درباره ضعف مطالب ۲- نتیجه گیری ۳- تشخیص بین حقیقت و تصور ۴- ارزشیابی

نظرها و باورهای نویسنده

« اختلافات نوشتاری دانش آموزان »

علائم:

(الف) مشکلات نوشتن غیر فعال (دست نویسی یا رونویسی)

(ب) مشکلات نوشتن نیمه فعال (املا)

(ج) مشکلات نوشتن فعال (انشا)

مشکلات نوشتن غیر فعال (دست نویسی یا رونویسی)

مشکلات نوشتن غیر فعال (دست نویسی یا رونویسی)

(الف) مشکلات آمادگی برای نوشتن

راه چاره: ۱- باید سعی نماید مداد را درست در دست بگیرد- ۲- رابطه جهتها را درک کند- ۳- هنگام نوشتن نحوه قرار دادن کاغذ را تنظیم نماید

(ب) مشکلات نوشتن صحیح حروف الفبا (حرف نویسی)

علائم: حروف را بیش از حد بزرگ یا کوچک مینویسند و یا خطوط مستقیم (عمودی یا افقی) را به حالت قوس دار مینویسند یا بالعکس

(ج) مشکلات نسخه برداری صحیح از کلمات (رونویسی)

علائم: ۱- هنگام رونویسی، حروف سازنده کلمه را با فاصله های زیاد بنویسند یا بالعکس ۲- در نوشتن حروف پیوسته با مشکل مواجه میشوند ۳- نمیتوانند پس از نوشتن یک حرف بلافاصله به نوشتن حروف دیگر بپردازند

« مشکلات نوشتن نیمه فعال (املا) »

علائم: ناتوانی در پیوند دادن آواهای زبانی (صامتها و مصوتها)

با حروف الفبا

عوامل بروز علائم: ضعف در عملکرد شنیداری، دیداری، حرکتی

۱- ضعف در عملکرد شنیداری: به دو صورت بروز میکند

(الف) ضعف در تشخیص شنیداری: برخی دانش آموزان در هنگام نوشتن املا یک یا چند حرف را از کلمه حذف میکنند و بالعکس

(ب) ضعف در به کار گیری تصمیمهای رابطه آواها با حروف (صوت و املا): آنچه را که می شنونده صورت تحت اللفظی می نویسند مانند صابون > صابون

۲- ضعف در عملکرد حافظه دیداری

علائم: نمیتوانند صورت صحیح حروف الفبا یا شکل کلمه ها را که از توالی حروف ساخته میشوند در حافظه دیداری خود

ثبت کنند و به یاد آورند مثل کتاب > کتاب

۳- ضعف در حافظه حرکتی

علائم: عدم توانایی به خاطر آوردن حرکات لازم دست برای نوشتن «مشکلات نوشتن فعال (انشا)»

۱- ضعف در جهان شناسی و شناخت جامعه

۲- ضعف در سازماندهی افکار خویش

۳- ضعف در تبدیل افکار خود به زبان مکتوب

« ضعف در جهان شناسی و شناخت جامعه »

راه چاره: ۱ به کارگیری روش آموزش تجربه زبانی ۲ ترتیب دادن گردشهای علمی و نمایش فیلم

« ضعف در سازماندهی افکار خویش »

علائم: جمله ها و پاراگرافهای موجود در انشا آنان درهم و مغشوش به نظر میرسد

راه چاره: تمرینات انفرادی ویژه

« ضعف در تبدیل افکار خود به زبان مکتوب »

عوامل بروز علائم: ۱ واژگان ناکافی ۲ خطاهای دستوری ۳ خطاهای ویرایشی

(واژگان ناکافی)

راه چاره: مطالعات غیر درسی

(خطاهای دستوری)

علائم: هنگام نگارش انشا جمله های ناقص یا جمله های حاوی افعال نامناسب به کار میبرند

(خطاهای ویرایشی)

علائم: عدم رعایت مسائلی همچون نقطه گذاری صحیح | علامت پرسشی و... | و رسم الخط صحیح

ضمن عرض سلام و خسته نباشید و تقدیر و تشکر از زحمات دانشجویان عزیز، فعالیتتان مورد قبول بود.

نمره فعالیت : ۱۰ از ۱۰



تهیه کنندگان: علی مرحمتی - مهدی محمدی - سجاد بدافی

فصل نهم

ماهیت ادبیات، انواع و کاربرد و تدریس آن در دوره دبستان

در دوره دبستان علاوه بر آموزش زبان فارسی و مهارت های چهارگانه ی آن (صحبت کردن، گوش دادن، خواندن و نوشتن) در قالب درس های فارسی، املا، جمله نویسی و انشا به آموزش مقدماتی ادبیات فارسی و انواع آن اعم از شعر و نثر نیز پرداخته می شود. بدیهی است برنامه آموزش ادبیات در دوره دبستان باید در قالب معیارهای ادبیات کودکان و نوجوانان سازماندهی و اجرا شود.

ماهیت ادبیات: ادبیات هنری کلامی است که برای بیان زیبا و متعالی احساس، عاطفه و اندیشه انسانی به کار می رود و در آن عامل تخیل دخیل است. در ضمن با دنیای واقعی نیز ارتباط معنی داری دارد. ابزار سازنده ی ادبیات، کلام (زبان) است.

جایگاه ادبیات در جامعه: ادبیات یکی از قلمروهای بسار مهم و گنجینه فرهنگی هر جامعه زبانی است. ارائه متون ادبی به افراد جامعه به خودی خود هدف نیست؛ بلکه این کار باید دری را به روی فرهنگ، که زبان تکیه گاه برگزیدن آن است، بگشاید.

زبان دو نقش مهم دارد:

۱- از طرفی ابزاری برای ایجاد ارتباط بین افراد یک جامعه زبانی می باشد.

۲- تکیه گاه فرهنگ است که به معنای وسیع آن در کنار عناصر دیگر ادبیات را نیز در بر دارد. زبانی که برای ایجاد ارتباط به کار می رود از لحاظ زیباشناختی بسیار ساده است اما زبان ادبی با تغییراتی در ساخت های آوایی، صرفی و نحوی و معنایی زبان آن را طوری سازمان می دهد که حس زیباشناختی انسان و طبع هنری او را تحت تاثیر قرار می دهد.

انواع ادبیات و آثار ادبی زبان فارسی: ادبیات به دو نوع اصلی یعنی نثر و شعر تقسیم می شود. از آنجا که واژه نثر، فقط صورت مکتوب قصه ها و داستان ها را در بر می گیرد و ادبیات شفاهی را شامل نمی شود به جای آن از اصطلاح ادبیات داستانی استفاده می کنیم.

ادبیات داستانی: به آثار ادبی ای دلالت دارد که در برگیرنده قصه، داستان، رمان و نمایش نامه است. برای شفاف کردن مباحث دو اصطلاح قصه و داستان را بررسی می کنیم:

۱- قصه: ادبیات داستانی تقریباً از اوایل مشروطیت در ایران رواج یافته است.

پیش از آن مردم ایران به قصه خوانی خو گرفته بودند. قصه به نوعی ادبیات خلاق اطلاق می شود که بیشتر جنبه غیر واقعی و خیالی دارد تا جنبه واقعی و تحقق پذیر! از لحاظ عناصر و ساختار زبان شناختی متن، قصه ها شکلی ساده و ابتدایی دارند و سبک زبانی آنها روایی و نقلی است. گونه زبانی منتخب در قصه ها، اغلب نزدیک به گونه گفتاری و محاوره ای مردم عادی است.

انواع قصه های فارسی از لحاظ محتوا:

۱- قصه هایی که ماجراهای آنها از زبان حیوانات روایت می گردد و اعمال و احساسات انسان به حیوانات نسبت داده می شود که اغلب جنبه تمثیلی و نمادین دارد.

۲- قصه هایی که حاوی سرگذشت ها و ماجراهای شاهان، سرداران و ... است که به سبب تصادف با وقایع عبرت انگیز و حکمت آموز و در عین حال شگفت آور روبه رو می شوند و به عنوان قصه های عامیانه نام گرفته اند.

۳- قصه هایی که بازگوکننده شرح احوال و ذکر کرامات عارفان و بزرگان دینی و مذهبی است. مانند: تذکره الاولیا.

۴- قصه هایی که مفاهیم عرفانی، فلسفی و دینی را به وجه تمثیلی یا نمادین بیان می کنند. مانند: قصه های قرآن، قصه های پیامبران و...

۵- قصه هایی که جنبه های واقعی، تاریخی و اخلاقی آن ها به هم آمیخته است و نویسندگان پیش از این که به فکر قصه نویسی بلشد قصد طبع آزمایی و نگارش نثری فسیح دارد. مانند: گلستان سعدی و...

۶- قصه هایی که جنبه های تاریخی دارند و اغلب در متن کتاب های تاریخی و لایه های وقایع گنجانده شده اند. مانند: تاریخ بیهقی.

۷- قصه هایی در باب تعلیم و تربیت که در زمینه های علمی، دبیری، ستاره شناسی، طب، سیاست و... می باشند. مانند قابوس نامه، چهارمقاله عروضی

۸- قصه هایی که محتوای گوناگونی دارند و از معرفت پروردگار، معجزات پیامبران، کرامات اولیای الهی، تاریخ شاهان گرفته تا موضوعات اخلاقی، فضایل انسانی و عجایب دریاها و... صحبت میکنند. مانند قصه های جوامع الحکایات

۹- قصه هایی که درباره فنون و رسوم کشورداری لشکرکشی و بازرگانی و علوم رایج زمان و عدل و سیرت نکوی پادشاهان و امیران نوشته شده اند. مثل سیاست نامه و آداب الحرب

۱۰- قصه هایی که موضوع آنها امثال، حکم فارسی می باشد. مثل کتاب لطایف

۲- داستان کوتاه، داستانک، داستان بلند و رمان

۱- داستان کوتاه: این داستان نوعی از ادبیات منثور است که از فرهنگ اروپایی مایه گرفته است.

ارکان داستان کوتاه: میرصادقی به نقل از فرانک اوکاتو، نویسنده ایرلندی برای داستان کوتاه ۳ رکن قائل شده است. ۱: شرح ۲: گسترش ۳: نمایش

۲- داستانک: داستانک داستانی به نثر است که باید از داستان کوتاه کمتر باشد و از ۵۰۰ کلمه کمتر نبوده از ۱۵۰۰ کلمه نیز بیشتر نباشد. داستانک همه عناصر داستان کوتاه را در خود دارد، جز آنکه این عناصر را با ایجاز و اختصار همراه است.

۳-داستان بلند:داستانی است که از نظرکمی از داستان کوتاه بلندتر وازرمان کوتاه تر است وازنظرکیفی نیز باآنها کاملا مطابقت ندارد.ازنمونه های مشهور ایرانی وخارجی داستان بلندی می توان به آثاری اشاره کرد:مدیر مدرسه(جلال آل احمد)بوف کورد(صادق هدایت) سقوط(آلبر کامو) و...

۴-رمان:داستانی است که بیش از ۵۰هزارکلمه داشته باشد.رمان مهم ترین ومعروف ترین شکل تبلور یافته ادبی روز گار ماست.رمان،داستانی طولانی است که به زبان نثرنوشته میشود وتاکید آن برواقعیت،اصالت،تجربیات، وتخیلات فردی وشخصی نویسنده است.

سیر داستان نویسی درایران:دردوران مشروطیت،رمان داستان نویسی به معنی نوین آن رواج پیدا کرده است.یعنی نوعی متفاوت ادبیات نسبت به قدیم در ایران رواج یافت.مهم ترین دلایل رونق داستان به شیوه اروپایی درایران به دوچیز بستگی داشت

۱-واقع گرایی:داسان کوتاه ورمان بر خلاف قصه های قدیمی می تواند وقایع ومظاهر واقعی زندگی رابانظر انتقادی تشریح وتصویر کند.ودرعین لذت بخشیدن به خواننده ،آموزنده وسازنده نیز می باشد.

۲-شکستن انحصارطبقاتی:رمان وداستان کوتاه برخلاف قصه درانحصار طبقات برگزیده دینی،اشراف،شاهزادگان وقهرمانان نیست وبرهمه طبقات مردم،اعم از فقیر وغنی ،زن ومرد ،شهریی وروستاییو رئیس ومرووس توجه یکسانی دارد.

شعر وانواع آن:می توان گفت تقریبا ادبیات همه ملت ها باشعر آغاز شده است.به ویژه درساخت دعاها وسرودهای مذهبی ،شعر ازجایگاه خاصی برخوردار است.

انواع شعر از لحاظ محتوا:

۱-حماسه:حماسه هاحوادث واقعی باستانی است،که سینه به سینه نقل شده ونسل به نسل انتقال یافته است.موضوع حماسه هااز اسطوره هاوتاریخ ملل گرفته میشود وحوادث آنها به زمان های دورتعلق دارد.حماسه تاریخ تخیلی گذشته یک ملت است.حماسه های ایلیا وادیس هومر،کومدی الهی دانته،شاهنامه فردوسی و...ازمعروف ترین حماسه های جهان اند.

۲-شعر غنایی:درباره عواطف شخصی شاعر است.یعنی انواع احساساتی که ممکن است به شاعردست دهند.موضوع شعرغنایی،باشعرهای عاشقانه وسوگنامه های فردی است بامدیحه وفتحنامه ودوگنامه های جمعی

اشعار حافظ زیباترین اشعار غنایی ایران وحتى جهان به شمار می رود که آمیزش ازانواع چهارگانه اشعارغنایی است.

۳-شعر تعلیمی:شعری است که هدف آن آموزش باشد.شعرتعلیمی دودسته است:۱-عقیده یاویرگی اخلاقی ومعنوی رامی آموزد .

۲-درباره حرفه وفن وعلوم عملی اطلاعاتی به دست می دهد.

مشهورترین آثار شعر تعلیمی درادبیات فارسی عبارت اند از:بوستان سعدی واشعار پروین اعتصامی واقبال لاهوری.

روش های کاربرد ادبیات در دوره دبستان:ادبیات کودکان ونوجوانان طبعاً همه ویژگی های اساسی راکه به طور عام برای ادبیات درنظرگرفته می شودوباید داشته باشد مانند کلامی بودن،زیبایی تخیل مبنی بر واقعیت و...به طور خاص می توان

ادبیات کودک و نوجوان رابه صورت زیرتعریف کرد: ادبیات کودک و نوجوان حاصل تلاش هنرمندانه شاعر یا نویسنده است که در قالب کلام ارائه میشود وبا زبان و شیوه ای مناسب در حد خور و فهم کودک یا نوجوان او را به سوی کمال و رشد هدایت میکند.

نقش ادبیات در رشد فکری و زبانی دانش آموزان در دوره دبیرستان: کودکان دبستانی در سنی هستند که رشد زبان آنان بی نهایت سریع است. محیط زبانی غنی در خانواده و مدرسه باعث می شود، مهارت های زبانی دانش آموزان توجه بیشتری یابد. بدیهی است ادبیات اعم از قصه، داستانک، شعر

و... نیز در این زمینه می تواند نقش ارزنده ای داشته باشد علاوه بر رشد زبان، ادبیات به رشد فکری و غنای شخصیت دانش آموزان نیز یاری می رساند آثار ادبی می توانند ارزش های احساسی جامعه ایرانی - اسلامی و فرهنگ غنی این جامعه را به کودکان منتقل کنند.

انواع قصه ها و شیوه های قصه گویی در دبستان: این نوع قصه هابه قصه های واقعی و غیر واقعی تقسیم می شوند.

۱- قصه های واقعی: نوعی قصه است که مجموعه حوادث آن در جهان واقعی رخ داده باشد و یا در آینده احتمال وقوع آن وجود داشته باشد.

۲- قصه های غیر واقعی: این قصه ها شامل حوادثی هستند که امکان وقوع آنها در جهان واقعی وجود ندارد. در یک تقسیم بندی فرعی می توان قصه های غیر واقعی رابه افسانه، قصه های تمثیلی، و... تقسیم کرد.

انواع قصه کودک و نوجوان از نظر محتوا: در این نوع دسته بندی قصه های کودک و نوجوان رابه قصه های ارزشی، خنثی و ضد ارزش تقسیم می کنیم.

۱- قصه های ارزشی: این قصه ها علاوه بر تقویت ادراک زبانی کودکان، بر تبلیغ و توسعه ارزش های الهی و انسانی در اذهان کودکان و نوجوانان دور می زند. در این قصه ها ارزش هایی مانند یکتاپرستی، مبارزه با ظلم، علم دوستی، احترام به والدین و... به کودکان و نوجوانان القا میشود.

۲- قصه های خنثی: این نوع قصه ها علاوه بر تقویت ادراک زبانی جنبه سرگرمی هم دارند این کتاب ها بیشتر جنبه تجاری دارند و جزو کالاهای فرهنگی محسوب نمیشوند

۳- قصه های ضد ارزش: در این قصه ارزش های اصیل انسانی فراموش شده و در عوض روحیه تن پروری، گوشه گیری، ظلم پذیری و به خصوص شانس پذیری به کودکان القا می شود.

ترغیب دانش آموزان به استفاده از کتاب ها و مجلات کودکان و نوجوانان

خوشبختانه در جامعه امروزی ما تعداد زیادی کتاب و مجله، ویژه کودکان و نوجوانان منتشر می شود این کتاب ها و مجلات دارای موضوعات متنوعی مانند مسائل آموزشی، تربیتی، سرگرم کننده و اطلاع رسانی هستند. اغلب این آثار در قالب های زبان ادبی و به صورت شعر و داستان کوتاه نوشته می شوند.

در کنار تقویت مهارت های زبانی، دانش آموزان با مطالعه کتاب ها و مجلات ویژه خود، آفاق دید وسیع تری نسبت به مسائل جامعه پیدا می کنند

از معلمان آگاه دوره ابتدائی انتظار می رود که با تهیه مجلات مناسب برای تمامی گروه های سنی، دانش آموزان را از همان دوره دبستان با مطبوعات آشنا کنند تا مهارت های زبانی و دانش های اجتماعی شان تقویت شود.

ضمن عرض سلام و خسته نباشید و تقدیر و تشکر از زحمات دانشجویان عزیز، فعالیتتان مورد قبول بود.

نمره فعالیت : ۱۰ از ۱۰



تهیه کنندگان: میلاد تمرزاده - محمد حسین خمویی